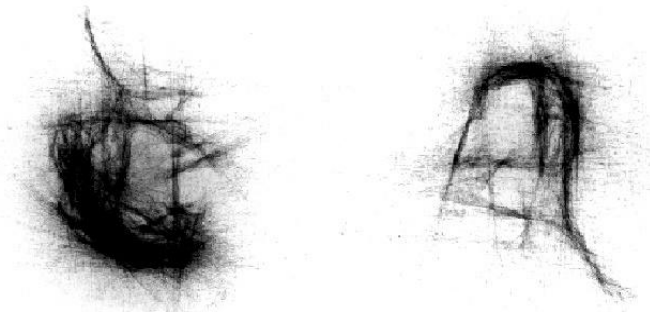
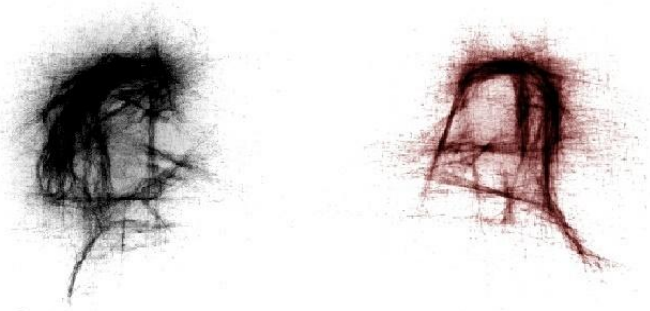
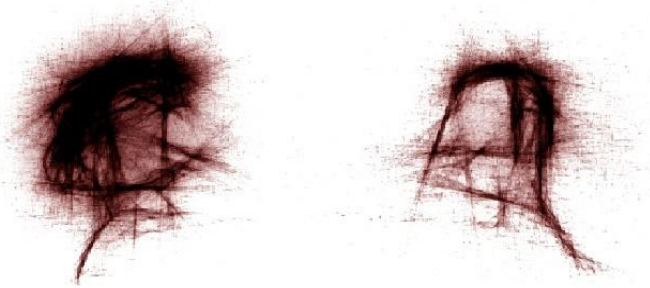


گرونددتئوری برساختی

تدوین و اجرای مصاحبه متمرکز



کتی چارمز

ترجمه حمیدرضا قوجانی

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Constructing Grounded Theory

Second Edition

Kathy Charmaz

۲۰۱۴

❖ عنوان کتاب: گرونددتئوری برساختی

❖ زیرعنوان: تدوین و اجرای مصاحبه متمرکز

❖ نویسنده: کتی چارمز

❖ مترجم: حمیدرضا قوچانی

❖ ناشر: نشر اینترنتی روا

❖ تاریخ انتشار: ۱۳۹۵

۳ سخن مترجم
۵ مقدمه
۸ اندیشیدن در باب مصاحبه متمرکز
۱۲ آماده شدن برای مصاحبه
۱۸ ساخت راهنمای مصاحبه
۲۷ انجام مصاحبه
۲۷ قوانین و مقررات و انتظارات در مصاحبه
۳۱ مذاکره و گفتگو در طول مصاحبه
۴۷ جمع بندی
۴۸ ارجاعات

سخن مترجم

کتاب حاضر ترجمه‌ای از فصل سوم «گرونددتئوری برساختی» است که به صورت مستقل انتشار یافته‌است. روش گرونددتئوری در سالیان اخیر، در میان پژوهشگران و دانشجویان کشور رونق فراوان یافته؛ اما تألیف و ترجمه آثار در این زمینه، آهنگی نامتناسب داشته و تکافوی نیاز ایشان را نمی‌کند. به واسطه همین فقر تألیف و ترجمه، آشنایی ما با گرونددتئوری در دایره تنگ نسل اول و دوم آن و چهره‌هایی نظیر اشتراوس، گلیزر و کوربین محصور گردیده‌است. از همین رو آشنایی با یکی از چهره‌های شاخص نسل سوم گرونددتئوری انگیزه‌ای برای ترجمه این کتاب شد.

چارمز در این کتاب، رویکردی متفاوت نسبت به گرونددتئوری، در قیاس با مؤسسان این روش، اتخاذ می‌کند. او تحلیل‌ها و یافته‌های برآمده از گرونددتئوری را، نه بازنمایی دقیق میدان، بلکه برساختی از واقعیت آن می‌داند؛ چرا که به نقش فعال ذهنیت محقق در تفسیر داده‌ها اذعان دارد. بر این مبنا، او اعضای صحنه را، نه ابژه صرف تحقیق، بلکه «مشارکت‌کنندگان» در برساخت تفسیر واقعیت قلمداد می‌کند. به باور چارمز، مصاحبه یکی از مهم‌ترین ابزارهای گردآوری داده غنی است، که طی آن پژوهشگر در نقش آموزنده، و مشارکت‌کننده (مصاحبه‌شونده) به عنوان راوی تجارب زیسته خود تعریف می‌شود. به طور خلاصه، در تلقی او مصاحبه متمرکز نه بازجویی، بلکه فرایند یادگیری است.

چارمز برخلاف اسلاف خود، ایده «محقق به مثابه مشاهده‌گر منفعل» را تخطئه نموده، و استفاده از پیشینه نظری و تجربی ناظر بر میدان را به رسمیت می‌شناسد. او مطالعات و نظریات موجود را مقوم محورهای نامتعیین مصاحبه می‌داند. محورهایی که می‌بایست در قالب «راهنمای مصاحبه» انسجام یافته، تا پژوهشگر را در برابر سردرگمی احتمالی در جریان گفت‌وگو ایمن سازد.

علاوه بر تمایزات بنیادین چارمز از سایرین، ذکر نمونه‌های متعدد از تجربیات عملی پژوهشگران، از جمله عوامل رجحان کتاب، بر سایر تألیفات موجود در این حوزه است. کلی‌گویی‌ها و تکیه بر مثال‌های ناملموس از سایر رشته‌ها، کاربرست عملی گرونددتئوری را برای محققان علوم اجتماعی، تاحد زیادی دشوار نموده. از همین رو، مطالعه کتاب حاضر می‌تواند شما را در تجربیات عملی متعددی شریک کرده، و شما را با چالش‌های احتمالی و راه‌کارهای متناسب با آن‌ها، پیش از ورود به میدان آشنا ساخته، و بدین واسطه از صعوبت پژوهش مبتنی بر گرونددتئوری بکاهد.

در خاتمه وظیفه خود می‌دانم تا مراتب قدردانی‌ام را از انتشارات محترم «روا»، که عهده‌دار نشر اینترنتی، طراحی جلد و تصحیح این کتاب بودند، ابراز کنم. همچنین از خانم دکتر مریم مینایی، به واسطه همراهی بی‌دریغشان در ترجمه این کتاب کمال امتنان را دارم. کوتاه سخن این‌که، تشریک نکات و نقطه‌نظرات خوانندگان محترم، از طریق ایمیل مترجم به آدرس h.ghouchaani@gmail.com می‌تواند سهم به‌سزایی در ارتقاء کیفیت ترجمه سایر فصل‌های کتاب داشته‌باشد. امیدوارم کتاب حاضر، با وجود کاستی‌های ترجمه، مقبول نظر مخاطبان آن واقع شده سهم کوچکی در ارتقاء پژوهش‌های کیفی داشته‌باشد.

حمیدرضا قوچانی

بهار ۱۳۹۵

گروندد تئوریست‌ها اغلب در سفرهای تحقیقاتی خود به برنامه‌ریزی برای مصاحبه با افرادی مبادرت می‌ورزند که تجاربشان می‌تواند موضوع مورد نظر آن‌ها برای مطالعه را شفاف و روشن سازد. تدوین و اجرای دقیق مصاحبه‌ها می‌تواند به شما کمک کند تا به جلو حرکت کنید. این اولین قدم شما به میدان مورد نظر است. برای این که یاد بگیرید چگونه مصاحبه‌های مفیدی تدوین و اجرا کنید، نیاز دارید چه مراحل راطی کنید؟ این کتاب نقطه شروع شما برای انجام سفر تحقیقاتی همراه با انجام مصاحبه است و شما را از منابع مختلفی که با پیشروی در مسیر خود می‌توانید استفاده کنید، آگاه می‌سازد. ما از ادبیات تحقیق غنی در زمینه انجام مصاحبه در پرس و جوی کیفی استفاده می‌کنیم و در فواصل زمانی درنگ می‌کنیم تا دورنماها و دیدگاه‌های وارداتی خاص را مشاهده کنیم.

در گزیده زیر، یکی از همکاران تحقیقاتی من با کارلا، زنی میانسال، در خصوص داشتن یک بیماری صعب‌العلاج مصاحبه می‌کند. کارلا در این رابطه سخن می‌گوید که چگونه تعاملات اجتماعی با خانواده گسترده خود را به موازات پیشرفت بیماری‌اش کاهش داده بود. کارلا که در مورد نیاز به توجه به بیماری‌اش سخن می‌گفت و بدون دریافت هر گونه تحریک شنیداری از سوی مصاحبه‌گر داوطلبانه بحث و گفتگویی طولانی در مورد روابط خانوادگی ارائه داد. کارلا در پایان توضیح مفصّل خود داستان زیر را در مورد عمه‌اش بیان کرد:

کارلا: چندماه پیش عمه‌ام در حالی که از این که چرا من زیاد در دور همی‌های خانوادگی حاضر نمی‌شوم متعجب بود، با من تماس گرفت، و من نامه‌ای نوشتم و تا جایی که می‌توانستم صادقانه رفتار کردم و گفتم: می‌دانید؟ واقع امر این است که من در جهتی متفاوت حرکت کرده‌ام و باید مراقب انرژی‌ام باشم و نمی‌توانم به همه این امور پردازم (تلفن زنگ می‌زند)، به هر حال، من حس خوبی داشتم که سعی کردم تا جایی که امکان داشت به خوبی رفتار کنم اما نتوانستم به او بگویم که من ... (دوباره تلفن زنگ می‌زند). من زمان و انرژی ندارم و به او گفتم در مسیری متفاوت قرار دارم پس ... (مکث).

مصاحبه‌گر: پس حس می‌کنی کمی با زمان و انرژی انتخابی برخوردار می‌کنی.

کارلا: اوه، قطعاً، قطعاً، در حقیقت من رژیم غذایی مراقب وزن^۱ دارم و امروز یک دختر را ملاقات کردم؛ او فوق العاده است و همواره می‌گوید دوستی باید تو را حفظ کند نه این که تو را تهی سازد، و من این گونه به هر کس و هر چیزی در زندگی می‌نگرم. و افراد زیادی وجود دارند که سمی هستند- همانند عمه من که چند سال پیش به من تلفن کرد و آن زمان من در حال برگزاری جشن عروسی پسرم بودم، اوه او داشت برای پسرش عروسی بر پا می‌کرد و تماس گرفت که بگوید «می‌توانی به عروسی بیایی؟» و من گفتم «نه، آن دو هفته من و همه بچه‌ها در تعطیلات به سر می‌بریم- زمان بیکاری همه ماست». و او گفت، «خب، نمی‌توانید روزهای تعطیلاتتان را تغییر دهید؟» و من گفتم، «می‌دانی پسرم دارد عروسی می‌کند و ما نمی‌توانیم پسر تو را ملاقات کنیم» و فلان و بهمان... و من گفتم، «عمه، من حتی نمی‌دانم آیا از اکنون یکسال این جا خواهم ماند یا نه، پس قصد دارم هر کاری دلم می‌خواهد انجام دهم.» او تلفن را قطع کرد ...

کارلا داستانش را با جزئیات ادامه داد. در گزیده مذکور، مصاحبه‌گر خیلی کم حرف زد؛ اما یک جمله خلاصه دلگرم کننده و بدون قضاوت و پیش داوری به شکل سؤال بیان کرد. سؤال او به نوبه خود سبب استخراج جزئیات بیشتری شد. هر چند ممکن است مصاحبه‌گران تحقیقاتی خیلی کم حرف بزنند اما زبان بدن آن‌ها، نگاه خیره و زمزمه اوم‌ها و اوهوم‌ها (که به قدری ملایم و آرام هستند که در باز نویسی شنیده نمی‌شوند) علاقه آن‌ها را بیان می‌کنند و جریان مکالمه و گفتگو در خصوص تجربه مشارکت‌کنندگان در تحقیق را حفظ می‌کنند. در یک مصاحبه متمرکز^۲ چگونه می‌آموزید کی سخن بگویید و کی تشویق کنید و گوش فرا دهید؟ یک تمرین مصاحبه خوب شامل چه چیزی است؟

این کتاب نمایی کلی از موضوعات در مصاحبه متمرکز و پیشنهادهایی را ارائه می‌دهد که می‌توانند به شما در استفاده از مصاحبه متمرکز در مطالعات گروندتئوری کمک کنند. من بر بافت موقعیت مصاحبه، شکل‌گیری پرسش‌ها و انجام مصاحبه تأکید می‌کنم. پژوهشگران می‌توانند انجام مصاحبه متمرکز را با مهارت، سبک و حساسیت یاد بگیرند. افراد تازه کار می‌توانند مهارت در ایجاد یک جو تعاملی خاص برای مصاحبه و مهارت در تشویق مشارکت‌کننده در تحقیق برای گفتگو را توسعه بخشند. گروندتئوریست‌ها از دانستن در مورد ادبیات

^۱-Weight Watchers

^۲-intensive interviewing

تحقیق رو به رشد در میدان انجام مصاحبه در تحقیقات کیفی بهره می‌برند. از این رو منابع متفاوتی را برای جرقه زدن ایده‌های شما در خصوص توسعه، اجرا و ارزیابی مصاحبه متمرکز گنجانده‌ام.

اندیشیدن در باب مصاحبه متمرکز

مصاحبه متمرکز چیست؟ محققان چه زمانی از مصاحبه متمرکز استفاده می‌کنند؟ تدوین و اجرای مصاحبه متمرکز شامل چه چیزهایی است؟ مصاحبه متمرکز راهی برای تولید داده در تحقیقات کیفی است. معمولاً مصاحبه متمرکز به معنای یک گفتگوی یک طرفه است که به آرامی هدایت می‌شود و دیدگاه مشارکت‌کنندگان در تحقیق را در زمینه تجربه شخصی آن‌ها در رابطه با موضوع تحقیق بررسی می‌کند. این موضوع می‌تواند گسترده و سیال باشد، مثل تاریخچه زندگی افرادی که در طول عصر جنگ سرد رشد کردند و پرورش یافتند، یا در حالت محدودتر و متمرکزتر دیدگاه معلمان مدرسه ابتدایی محلی در خصوص شیوه‌ها و سیاست‌های ارزیابی یادگیری. ویژگی‌های اصلی مصاحبه متمرکز عبارتند از:

- انتخاب مشارکت‌کنندگان در تحقیق که تجربه دست اولی دارند که با موضوع تحقیق متناسب است؛
 - بررسی عمیق تجربه مشارکت‌کنندگان و موقعیت‌ها؛
 - تکیه بر سؤالات با پاسخ تشریحی؛
 - به دست آوردن پاسخ‌های جزئی؛
 - سؤال بر درک دیدگاه، معانی و تجربه مشارکت‌کننده در تحقیق؛
 - تمرین پیگیری عرصه‌های پیش‌بینی نشده پرس و جوها، اشارات و دیدگاه‌های ضمنی و گزارش اقدامات.
- خلاصه این که محققان از مصاحبه‌های متمرکز برای مطالعه موضوعات خاصی استفاده می‌کنند که مشارکت‌کننده در تحقیق تجربه قابل توجهی در رابطه با آن دارد. در طول مصاحبه مشارکت‌کننده سخن می‌گوید، مصاحبه‌گر تشویق می‌کند و دلگرمی می‌دهد، گوش می‌سپارد و یاد می‌گیرد.

مصاحبه متمرکز یک نوع مصاحبه تحقیقاتی است. تمامی انواع مصاحبه‌ها بر اجرای مکالمه‌های کمتر یا بیشتر هدایت شده متکی هستند (با لافلند و لافلند ۱۹۸۴، ۱۹۹۵ رجوع کنید). اشکال مختلف مصاحبه و اهداف آن، بر درجه‌ای که مصاحبه‌گر صراحتاً مصاحبه را هدایت می‌کند اثرگذار است. به طور مثال هدف از مصاحبه استاندارد شده برای تحقیق کمی، جهت دهی کلی مصاحبه‌گر است. منطقی که در پس این رویکرد نهفته است به پرسیدن سؤالات مشابه توسط مصاحبه‌گر و به شیوه‌ای مشابه برای تمامی مشارکت‌کنندگان در تحقیق وابسته است. هم‌چنین در منطق این نوع مصاحبه، فرض بر آن است که مصاحبه‌گر از قبل سؤالاتی را که می‌خواهد

بپرسد می‌داند و مشارکت‌کنندگان در تحقیق سؤالات را به نحوی که مد نظر محقق است، تفسیر می‌کنند. هیچ یک از این مفروضات با مصاحبه متمرکز تناسب ندارد.

در تحقیق کیفی از استراتژی‌های اطلاعاتی، متمرکز و تحقیقاتی استفاده می‌شود. هدف از مصاحبه اطلاعاتی^۳ جمع‌آوری «حقایق» صحیح است. مصاحبه اطلاعاتی مستلزم به دست آوردن پاسخ‌های صحیح برای سؤالات جمعیت‌شناسی و توصیف رویدادها همراه با شفاف‌سازی جزئیاتی همچون ترتیب وقایع، مکان‌ها و افرادی است که در این اتفاقات درگیر بوده‌اند. به همین نحو، هدف از مصاحبه تحقیقاتی^۴ کسب جزئیات دقیق است؛ اما اغلب با هدف نمایان‌ساختن اقدامات و مقاصد پنهان و افشای روش‌ها و سیاست‌ها و دلالت‌های ضمنی آن‌ها انجام می‌گیرد. هر چند ممکن است محققان علوم اجتماعی مصاحبه متمرکز را مورد استفاده قرار دهند، مجاز به استفاده از سؤالات مستقیم و گاهی نیز از سؤالات مقابله‌ای^۵ نیز هستند.

ممکن است گروندتئوریست‌ها از هر راهکاری بهره‌گیرند؛ اما معمولاً از مصاحبه متمرکز استفاده می‌کنند که من در این کتاب بر آن تمرکز کرده‌ام. زمانی که مصاحبه متمرکز انجام می‌دهیم مقداری نیز وارد حوزه مصاحبه اطلاعاتی می‌شویم تا جزئیات مورد نیاز برای مطالعه‌مان را جمع‌آوری نماییم. با پیشرفت مطالعه، رویکرد مصاحبه ما می‌تواند همانند گروندتئوریست‌ها تغییر کند. به خاطر داشته باشید که مصاحبه‌ها در یک فرهنگ و در یک زمان تاریخی خاص و بافت اجتماعی معین رخ می‌دهند. لازم است در رویکرد خود نسبت به مصاحبه، سؤالات، انتخاب واژگان خاص و سبک تعامل، به سنت‌ها و موقعیت‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق احترام بگذارید.

بخش اعظم بحث و گفتگوی من در رابطه با مصاحبه متمرکز، بافت و موقعیت آمریکای شمالی را منعکس می‌سازد. در پی این باشید که چگونه شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه و همچنین موقعیت و تحقیق شما، بر کارایی آن‌ها در پروژه شما تأثیر می‌گذارند. به محتوای این کتاب به عنوان یک چارچوب بنگرید و موقعیت و پروژه خود را با آن مقایسه کنید. سپس از ایده‌ها، رهنمودها و نگرانی‌ها و دغدغه‌ها، به اندازه‌ای استفاده کنید که متناسب با موقعیت شما و دنیای افرادی باشد که با آن‌ها مصاحبه می‌کنید.

مصاحبه‌ها موقعیت‌های پیچیده‌ای هستند. مصاحبه‌های متمرکز فضایی تعاملی ایجاد می‌کنند که مشارکت‌کننده می‌تواند تجربه خود را به آن ارتباط دهد. با این حال هدف از مصاحبه شما، مردمی که با آن‌ها

^۳-Informational interviewing

^۴-Investigative interviewing

^۵-confrontational questions

سخن می‌گویید، درک و سهم آنها در مصاحبه، همگی در کیفیت و ثمربخشی مصاحبه شکل می‌پذیرد. یک پژوهشگر موضوعاتی برای ادامه کار تحقیق دارد. مشارکت‌کنندگان در تحقیق مشکلاتی دارند که باید حل شوند، اهدافی دارند که باید دنبال کنند، و اقداماتی را باید انجام دهند و هم‌چنین مفروضاتی دارند، ایده‌هایی در ذهنشان شکل می‌گیرد، و در خصوص همه این نگرانی‌ها و دغدغه‌ها احساساتی دارند. هم مصاحبه‌گر و هم مشارکت‌کننده در تحقیق، اولویت‌ها، دانش و نگرانی‌هایشان را به همراه خود به موقعیت مصاحبه می‌آورند که ممکن است کاملاً با هم مطابقت نداشته باشند. پرسش‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق در مورد مطالعه شما، بر شرکت یا عدم شرکت آن‌ها در مطالعه اثرگذار است. در صورتی که تصمیم به شرکت در مطالعه بگیرید، شروط آن‌ها می‌تواند بر میزان و کیفیت اظهاراتشان تأثیر بگذارد. ممکن است مشارکت‌کنندگان سؤالات زیر را مطرح کنند: شما علایق و منافع چه کسی را بازنمایی می‌کنید؟ از یافته‌ها چگونه استفاده خواهد شد؟ آیا من قابل تشخیص خواهم بود؟ به هر حال زمانی که مشارکت‌کنندگان در مصاحبه ترجیح دهند نتیجه گیری‌های خود را کنار هم قرار دهند، ممکن است چنین سؤالاتی مطرح نشده باقی بمانند.

مصاحبه‌های متمرکز بر اظهارات مشارکت‌کنندگان در تحقیق در خصوص تجاربشان و این که چگونه این تجربه را به تصویر می‌کشند، متمرکز هستند. یک نکته: گزارش علمی اجتماعی، به اظهارات مصاحبه‌شونده‌ها در مصاحبه یک قالب عقلانی می‌دهد و بنابراین ممکن است به نظر برسد که این اظهارات نسبت به آن چه مصاحبه واقعی نشان می‌دهد، انسجام بیشتری داشته باشند. تعدادی از مصاحبه‌شوندگان از دست دادن حافظه، گیجی و سردرگمی، ضعف و بی‌حالی و تأثیرات دارویی را تجربه کرده‌اند که ممکن است بر آن‌ها اثر گذاشته باشد. با این حال اظهارات نوشته شده آن‌ها این اثرات را نمایان نمی‌کند. به همین منوال همان طور که آنیکا لیلرانک (۲۰۰۲، ۲۰۱۲) مطرح می‌کند، قدرت سخن مشارکت‌کنندگان در مصاحبه می‌تواند از طریق تنش‌ها و صدمات، هیجان‌ات مربوط به تجربه و ابهام در زندگی را پاک کند.

چنین مسائلی می‌تواند در بافت مصاحبه‌های ما سهیم باشند، اما گاهی فراتر از چیزی است که به آن می‌پردازیم. در عوض ما به بررسی این امر می‌پردازیم که چگونه سؤالات تحقیق ما و حالت پرس و جو، داده‌ها و تحلیل متعاقب آن را برای ما شکل می‌دهند. این امر به شما کمک می‌کند تا از این که چرا و چگونه داده جمع آوری می‌کنید مطلع گردید و بنابراین این توانایی را به شما می‌دهد تا اثربخشی‌تان را ارزیابی کنید. شما یاد می‌گیرید که چه زمانی در حال جمع آوری داده‌های غنی و سودمندی هستید که پاسخ‌دهندگان را تضعیف یا تحقیر نمی‌کنند. پس شگفت آور نیست که روش‌های گرونددتئوری زمانی به بهترین نحو عمل می‌کنند که گرونددتئوریست در جمع آوری داده‌ها و به علاوه تجزیه و تحلیل آن‌ها مشارکت داشته باشد. ب ه این ترتیب

شما می‌توانید تفاوت‌های معنایی ظریف و فرایندی را بررسی کنید که پرسشگران استخدام شده ممکن است به راحتی آن‌ها را نادیده بگیرند.

از آن‌جا که مصاحبه‌گر در پی درک زبان مشارکت‌کنندگان در تحقیق، معانی و اقدامات، هیجانات و زبان بدن است، مصاحبه متمرکز روشی سودمند برای تحقیقات و پرس و جوهای تفسیری می‌باشد. ممکن است به سایر اشکال مصاحبه، هم‌چون مصاحبه اطلاعاتی برای پروژه‌های گروندتئوری خاص، بالاخص پروژه‌هایی با قالب عینیت‌گرا اشاره شود. ممکن است گاهی گروندتئوریست‌ها از راهکار مصاحبه تحقیقاتی با مشارکت‌کنندگان در تحقیق خاص، مثل سیاست‌مداران، در انواع خاصی از پروژه‌های عدالت اجتماعی یا در برخی از مطالعات قوم‌نگاری، در زمانی که روابط طولانی مدت محقق در آن حوزه اجازه مطرح شدن سؤالات اشاره دار را می‌دهد، استفاده کنند.

ماهیت عمیق یک مصاحبه متمرکز، این امر را ترویج می‌کند که هر مشارکت‌کننده در زمانی که مصاحبه رخ می‌دهد، تفسیری از تجربه خود استخراج کند. مصاحبه‌گر در پی درک موضوع است و مشارکت‌کننده در مصاحبه تجارب مرتبطی دارد که سبب روشن شدن موضوع می‌گردند. از این رو، سؤالات مصاحبه‌گر از مشارکت‌کننده می‌خواهد تا به تجارب خود بیاندهد و به گونه‌ای آن‌ها را توضیح دهد که به ندرت در زندگی روزانه رخ می‌دهند. مصاحبه‌گر گوش فرا می‌دهد، با حساسیت مشاهده می‌کند و شخص را ترغیب به گفتگو می‌نماید. بنابراین در این مکالمه مشارکت‌کننده بیش‌ترین سخنان را می‌گوید.

خلاصه این که مصاحبه متمرکز یک تکنیک انعطاف‌پذیر نوظهور است که:

- انعطاف‌پذیری و کنترل را در هم می‌آمیزد؛
- فضایی تعاملی برای پرورش ایده‌ها و موضوعات می‌گشاید؛
- امکان پیگیری بی‌درنگ این ایده‌ها و موضوعات را فراهم می‌آورد؛
- حاصل هم‌سازی مصاحبه توسط مصاحبه‌گران و مشارکت‌کنندگان در مکالمه مصاحبه‌گونه است.

آماده شدن برای مصاحبه

قبل از شروع، نکاتی در مورد موقعیتی که به آن وارد خواهید شد فرا بگیرید. آن چه آماده شدن نیاز دارد، به پروژه شما بستگی دارد. حکم متداول گرونددتئوری این است که شما باید از خواندن ادبیات تحقیق نظری و تحقیقاتی در خصوص موضوعتان اجتناب کنید؛ در صورتی که از نعمت اجتناب از بررسی اجمالی پیشینه تحقیق پیش از وارد شدن به این حوزه برخوردارید. پس ممکن است با ذهنی تازه وارد آن شوید - یا نه. این امکان وجود دارد که شما با پیش فرض‌های بررسی نشده، در خصوص موضوعی که مدت‌هاست در ذهن دارید، وارد این حوزه شوید. امروزه غالب پژوهشگران نمی‌توانند تحقیق خود را بدون دانش قبلی مربوط به تحقیق در این زمینه آغاز کنند.

فراتر از بررسی پیشینه تحقیق، شما نیازمند آنید که از جریان کنونی تجربه یا موقعیتی که قرار است بررسی کنید، آگاه باشید. اگر به طور مثال، از شما انتظار می‌رود بررسی کنید که افراد مبتلا به آرتریت روماتوئید چگونه مشکلات حرکتی خود را مدیریت می‌کنند، آشنا شدن با نشانه‌های آرتریت روماتوئید هوشمندانه خواهد بود. اگر قصد دارید تحقیق سازمانی انجام دهید، لازم است با اطلاعات عمومی و اسناد قابل حصول در مورد سازمان آشنا شوید. با همه این‌ها، این احتمال وجود دارد که اسناد عمومی، بخشی از آن چیزی باشند که شما تحلیل می‌کنید. به همین نحو در صورتی که قصد دارید با مدیران اجرایی شرکت‌ها مصاحبه کنید، با سازمان‌های مربوط به آن‌ها آشنا شوید.

مصاحبه‌گرها نیز همانند قوم‌نگاران به طور روزافزون تحقیقاتی را در سازمان‌ها و میدان‌های پیچیده‌ای انجام می‌دهند که روان بودن در موضوعات روبه‌ای مربوطه و سؤالات فنی آن میدان به آن‌ها کمک می‌کند تا مشارکت‌کننده در تحقیق را درگیر کنند و مکالمه را هدایت نمایند. جفی بالدوین (۲۰۱۱) موانع سازمانی در برابر تلاش سخت جهت مستعمره سازی مجدد در ایالت اورگان ایالات متحده را مطالعه نمود. مستعمره‌سازی بیش از حد، تطبیق بالقوه با هزینه پایین و فن‌آوری ساده را در مقابل تغییر آب و هوا مطرح می‌کند با این حال مسئولان هنوز آن را گزینه‌ای قابل دفاع و مناسب تلقی نمی‌کنند. بالدوین خاطر نشان می‌سازد که پیش زمینه او احتمالاً در راحتی مصاحبه‌شوندگان سهیم بوده است و پاسخ‌های مفصل همراه با جزئیات آن‌ها را تقویت کرده است (صفحات ۷-۸). اولاً آموزش گسترده او به عنوان یک جغرافیدان، روابط درونی انسان - محیط زیست او را، با شکل‌گیری سیاست و جنبه‌های علمی بازسازی زیستگاه آشنا ساخت. در ثانی بالدوین به عنوان یک اورگونین

بومی، دانش قبلی قابل توجهی در خصوص مکان‌ها و موضوعاتی داشت که مشارکت‌کنندگان در تحقیق او در رابطه با آن بحث و گفتگو می‌کردند.

بالدوین قبلا نوعی زمینه برای انجام مصاحبه‌های اثربخش در رابطه با موضوعی را داشت که بر شیوه‌ها و اولویت‌های علمی، اقتصادی، سیاسی و اجرایی اثر داشت. سایر مصاحبه‌گران نیاز مند به دست آوردن ابزاری برای اجرای مصاحبه‌ها بودند که پیچیدگی‌های فنی و دانش خاص را در بر می‌گرفت. مشکلات و مسائل تحقیقاتی که شامل سؤالات فنی پیچیده در تحقیقات زیست پزشکی و علوم اطلاعاتی هستند، تنها دو نمونه از زمینه‌هایی هستند که ممکن است یک مصاحبه‌گر در آن به دانش قبلی در مورد فن‌آوری مربوطه نیاز داشته باشد. معمولا مطالعات مصاحبه‌ای فاقد مشارکت پایدار قوم‌نگارانه هستند که در آن ممکن است مشارکت‌کنندگان در تحقیق در خصوص پیچیدگی‌های سازمانی و فنی دنیای خود مواردی را به پژوهشگر آموزش دهند. بنابراین شاید مسائل و مشکلات محقق، که چنین پیچیدگی‌هایی را در بر می‌گیرد، نیازمند پژوهشگری باشد که آماده سازی قابل توجهی را برای درک دنیای مطالعه شده و حرکت به زیر سطح را انجام دهد.

مصاحبه‌ها را به ویژه برای موضوعات حساس از نظر عاطفی و هیجانی تمرین کنید. این امر می‌تواند به رفع اشتباهات در حین سایر مصاحبه‌ها کمک کند. واژه‌هایی همچون «انکار»، «تنظیم» و «قربانی سرطان» می‌تواند سیگنال‌های هشداردهنده واضحی برای مطالعات خاص پدید آورد. اصطلاحاتی که در ادبیات تحقیق تخصصی می‌یابید، ممکن است در این زمینه به شما کمک نکنند. واژه‌هایی که هم افراد متخصص و هم افراد غیرماهر مناسب و بی طرف تلقی می‌کنند ممکن است سبب آزردن شدن مشارکت‌کنندگان در تحقیق شوند. سارا گودرام (گودرام و کیز، ۲۰۰۷) در مطالعه خود در رابطه با از دست دادن یک کودک مقتول یاد گرفت با چهار مشارکت‌کننده در تحقیق که قبل از شروع مصاحبه‌های رسمی او، به عنوان افراد مطلع عمل می‌کردند، در مورد چه چیزی سؤال کند و چگونه آن را بپرسد. یکی از افراد مطلع و آگاه به او معانی غیر حساس گنجانده شده در اصطلاح «مختومه» را آموزش داد:

می‌دانید حتی هنوز (۴ سال پس از قتل دختر ما)، (همسر) کتی و من از واژه «مختومه» متنفریم. «آیا شما ابزار مختومه کردن دارید؟» (آن‌ها گفتند) اگر قاتل را پیدا کنند، پس شما وسیله مختومه کردن را خواهید داشت. من گفتم نه، من وسیله مختومه کردن نخواهم داشت. من هرگز قصد نداشته‌ام کاملا محصور باشم، مهم نیست چه اتفاقی می‌افتد (ص ۲۵۲).

یادگیری زبان همانگونه که گودرام انجام داد به اجتناب از اشتباهات کمک می‌کند. هم‌چنین یادگیری زبان به شما در تشخیص و تمایز توجی‌هات و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان در تحقیق کمک می‌کند. ربکا ترامل و اسکات چنولت (۲۰۰۹) دیدگاهی در این رابطه ارائه داده‌اند که چگونه یک مصاحبه‌گر آماده می‌تواند از دانش کارشناسی و تخصصی در خصوص زمینه مطالعه شده بهره برده و با پرسیدن در مورد اصطلاحات خاص در طول مصاحبه بیشتر یاد بگیرد. آن‌ها بررسی کردند که چگونه مجرمان، با زندانیان جدید که متهم به سوء استفاده جنسی از کودکان هستند برخورد می‌کنند. مجرمان، مردان جدید را مردانی تلقی می‌کردند که اوقات کثیف خود را می‌گذراندند (ص ۳۳۴) و آن‌ها را به عنوان زندانیان هرزه و کثیفی که باید از آنان دوری کرد تعریف می‌نمودند. از این محکومان به طور تناقض آمیزی از طریق تلاش‌های هماهنگ کننده برای تنبیه این زندانیان هرزه از طریق حملات خشونت بار دوری می‌گزیدند. متعاقباً زندانی‌ای که به عنوان زندانی هرزه تعریف می‌شد، طرد و به بازداشت احتیاطی یا مرگ در صحنه محکوم می‌شد.

جیمز: این مرد از کورکوران قدیمی منتقل شده و هرزه است. او ۲۰۷ داشت^۶ اما جایی ثبت نشده.

سؤال: از کجا می‌دانی او ۲۰۷ داشته؟

جیمز: او داخل شد اما نوشته‌ای را نشان نداد. من از افسر تادیبی پرسیدم قضیه چیست و او به من گفت او در کورکوران مثل گاو پیشانی سفید شده بود و می‌بایست آن جا را ترک می‌کرد. من می‌دانم معنایش چیست. اون لعنتی آدم هرزه و کثیفی است و این احمق‌ترین و هوس بازترین مردیست که تا به حال دیده‌اید. برای همین او بدون نوشته وارد شده. کسی در کورکوران او را مورد ضرب و شتم قرار داده و او دندانهایش رخته و روی صورتش زخم دارد و چشمش خونی است. شما می‌دانید منظورم چیست. پس من به طرف او رفتم و خواستم پرونده‌اش را ببینم، او گفت پرونده ندارد. می‌دانم یعنی چه.

سؤال: یعنی چه؟

^۶ متهم به آزار جنسی کودکان

جیمز: او هرزه است. او چیزی دارد که نمی خواهد من ببینم. او یک ناقل است. به هر حال آن یک پرچم قرمز است؛ اما یک ناقل بدون مدرک نوشتاری. بله او هرزه است. پس من فقط به او گفتم باشه، خوبه بعداً می بینمت. من سؤال نمی پرسم، در آن نقطه ما سؤال نمی پرسیدیم. پس از آن با افرادم چک کردم و آنها گفتند او به کتک نیاز دارد. سه نفر از ما او را به یک نقطه کور بردیم.

سؤال: نقطه کور؟

جیمز: جایی که پلیس ها نمی توانند تو را ببینند، ما کمی در آن جا خلوت می کنیم. او را بیرون بردیم.

سؤال: او را کشتید؟

جیمز: وقتی او را ترک کردم تکان نمی خورد (صص ۳۴۲-۳۴۱).

توجه کنید که مصاحبه گر (ترامل) از قبل معنای ۲۰۷ را می دانست؛ اما پرسید نداشتن پرونده به چه معناست و تعریف نقطه کور و پیامد خاص «او را بیرون بردیم» را روشن و واضح ساخت. ترامل و چناولت متوجه شدند مردانی که زندانیان هرزه را بیرون می بردند از نظر اخلاقی خود را در توزیع این عدالت محق می دانستند در حالی که همزمان رتبه بالاتری در سلسله مراتب زندانیان به دست می آوردند. از پیش دانستن یا تشخیص برخی از اصطلاحات کلیدی مشارکت کنندگان آینده شما، می تواند به شما در ساخت سؤالات و راحتی مشارکت کننده در تحقیق کمک کند.

این که برای مشارکت کنندگان در تحقیق چگونه به نظر برسد بر پاسخ آنها به موضوع و سؤالات شما اثرگذار است. ظاهر می تواند معنایی بیش از لباس و فتار داشته باشد. عبدی کوسف (۲۰۰۳) تلاش کرد تا با هموطنان سومالیایی مهاجر در کانادا مصحبه کند تا در مورد موقعیت های خود و جنگ داخلی در سومالی سخن بگویند. او در ابتدا خود را یک خودی تلقی کرد که می توانست با سایر مهاجران سومالیایی مصاحبه کند. به هر حال او خیلی زود کشف کرد که اهداف او مشکوک به نظر می رسند و حالت و روابط خودی/ بیگانه بسیار پیچیده تر از آنچه بود که روش شناسان فرض می کردند.

یکی از پیچیدگی ها عبارت بود از یک نوع خودی مشکوک شدن. به ویژه در بحث و گفتگوهای مربوط به موضوعات حساس سیاسی یا فرهنگی. از نظر تجربه خود من، من صرفاً با آغاز یک

مکالمه تصادفی با تقریبا هر سومالیایی که ملاقات می‌کردم به این موضوعات به عنوان یک خودی دسترسی داشتم. با این حال، به محض این که هویت پژوهشی خود را برملا می‌ساختم ناگهان ماهیت مکالمه تغییر می‌یافت. (ص ۵۹۴).

تعداد کمی از مهاجران سومالیایی مکالمه خود را با او ادامه می‌دادند و موافقت می‌کردند که با آن‌ها مصاحبه شود. جنگ در سومالی تحقیق او را برای مصاحبه‌شوندگان آینده دردسر ساز می‌ساخت. دشواری‌ها و سختی‌های او، نوع مشکلات دسترسی را بزرگ نمایی می‌کنند که محققانی که در پی موضوعات کم هزینه‌تر هستند تجربه می‌نمایند.

خلاصه این که وضعیت شما به عنوان محقق در نظر مشارکت‌کنندگان در تحقیقات آینده، هر چه که باشد، بر اثر بخشی شما در یافتن افراد مناسب و هدایت مصاحبه تأثیرگذار است. من با برخی از افراد مبتلا به بیماری‌های مزمن مصاحبه کردم که متخصصان سلامتی، آن‌ها و یا خانواده‌ها بیماریشان را تسکین^۷ داده بودند. هر یک از این مشارکت‌کنندگان در تحقیق از مصاحبه با یک جامعه شناس حرفه‌ای لذت می‌بردند. آنان معتقد بودند که مصاحبه به ادعای آنان مبنی بر بیمار بودن اعتبار می‌بخشید - و چندین نفر گفتند قصد داشتند در مورد آن با همه حرف بزنند. ممکن است دانشجو بودن به شما امکان دسترسی به مشارکت‌کنندگان در تحقیق را بدهد. مردم اغلب از کمک به یک دانشجو لذت می‌برند و زمانی را به او اختصاص می‌دهند که به یک فرد متخصص نمی‌دهند.

ظاهر فیزیکی هم می‌تواند اهمیت داشته باشد. زمانی که کارلا رایس (۲۰۰۹) مطالعه‌اش در خصوص تجسم زنان را که بر وزن و ناتوانی متمرکز بودند آغاز کرد، خود دچار اضافه وزن بود. او بعد از دست دادن وزن متوجه شد آمادگی پذیرش مشارکت‌کنندگان در تحقیق خود را هم از دست داده است. او دریافت که برخی از زنان با ظاهر او احساس ترس یا بیگانگی می‌کردند (ص ۲۵۳):

بسیاری از آن‌ها این محدوده پاسخ را با طرح سؤالاتی پاسخ می‌دادند که مثلا چرا این تحقیق را انجام می‌دهید؟ و چه چیزی باعث علاقه شما به این موضوع شده است؟ در حالیکه در آغاز من معتقد بودم زنان سؤالات شخصی مطرح می‌کنند، زیرا اطلاعات صمیمانه تری در مورد مسایل مربوط به بدن من می‌خواهند. من به تدریج درک کردم که آن‌ها بیشتر خواهان یک حسابداری اخلاقی بودند تا یک بازگویی اعتراف گونه از دلایل من برای انجام تحقیق. در

^۷-discounted

مکالماتی که با زنانی داشتم که به واسطه تصورات اجتماعی غلط در رابطه با بدن خود به حاشیه رانده شده بودند، برخی در شگفت بودند که آیا من بینش مورد نیاز برای تجدید نظر در گزارشات متداول و درک غنی از زندگی به همراه تفاوت‌های جسمانی را دارم یا خیر (ص ۲۵۴).

نوع حسابرسی اخلاقی، که مشارکت‌کنندگان در مطالعه رایس آشکارا درخواست می‌کردند، ممکن است در مطالعات دیگر به صورت پنهانی مطالبه شود. در سطحی دیگر، ریموند گوردن (۱۹۹۸) و کریستین لاکر (۲۰۰۸) هر یک نشان دادند که نگاه شما چگونه باید با دنیای افرادی که با آن‌ها مصاحبه می‌کنید سازگار باشد. با توجه به فرهنگ و کشور شما، ممکن است لازم نباشد برای شرکت در جلسه مصاحبه آراسته باشید؛ اما حقیقتاً لازم است برای آن میدان، مشارکت‌کننده و موقعیت مناسب به نظر برسید. با مشارکت‌کنندگان در تحقیق خود، دنیای آن‌ها و موقعیت مصاحبه با احترام برخورد کنید. لیندا بلگریو خاطر نشان می‌سازد رفتار پژوهشگری که با لباس زنده کهنه با یک سالمند فقیر مصاحبه می‌کند، به جای این که متناسب با صحنه به نظر بیاید، به روشنی بیانگر بی‌احترامی است.

یک خلع سلاح رفتاری کمک کننده است؛ به ویژه اگر ابتدا مجبور باشید روی یک سند قانونی امضای مشارکت‌کننده را بگیرید و رضایت آگاهانه^۸ او را جلب کنید. حتی وقتی از متخصصان حرفه‌ای هم خواسته‌ام که فرم رضایت آگاهانه مرا امضا کنند، سر را به زیر افکنده و مضطرب می‌شوند. چهره‌هایشان بیانگر آن است که بیش از توضیحات اولیه مربوط به تحقیق که به طور ضمنی بیان شد، باید شفاف سازی کرد. این کار مستلزم اطمینان خاطر دادن مجدد و کار تعاملی برای رفع مغضله‌ای است که فرم رضایت آگاهانه به وجود می‌آورد. هر چه موضوع شما بحث برانگیزتر و جنجالی‌تر باشد، شما باید زمان بیشتری را صرف کنید تا خیال مشارکت‌کنندگان از بابت امضای فرم راحت شود. در صورت امکان، پیشنهاد می‌کنم تا جایی که می‌شود فرم رضایت آگاهانه با عبارات و اصطلاحات کوتاه و ساده پر شود. بسیاری از این فرم‌ها بیشتر مثل یک قرارداد حقوقی میان رقبای تجاری است تا یک منبع اطلاعات و توافق. تمرین کردن آن چه می‌خواهید در زمان درخواست امضای فرم توسط مشارکت‌کننده در تحقیق بیان کنید به شما کمک می‌کند تا لکنت زبان نداشته باشید.

^۸-informed consent

ساخت راهنمای مصاحبه

ظاهراً کمیته‌های آزمودنی‌های انسانی^۹ و هیئت‌های بررسی سازمانی^{۱۰} برای محافظت از مشارکت‌کنندگان در تحقیق شما، در سراسر جهان در حال افزایش هستند. در حال حاضر چنین کمیته‌هایی به طور مرتب مستلزم یکب برنامه تحقیقاتی و راهنمای مصاحبه پیش از تأیید یک مطالعه مبتنی بر مصاحبه هستند.

هم‌چنین ممکن است سازمان‌های آینده نگر و مشارکین در تحقیق قبل از این که اجازه ادامه کار را به شما بدهند، بخواهند راهنمای مصاحبه را ببینند. با ساخت راهنمای مصاحبه تحقیق خود به عنوان راهی برای یادگیری نحوه کسب داده‌ها و چگونگی پرسیدن سؤالات بنگرید. با راهنمای تکمیل شده مصاحبه خود به عنوان ابزاری انعطاف‌پذیر برای بازنگری برخورد کنید. توصیه من این است که محققان جدید یک راهنمای مصاحبه همراه با جزئیات را بسط و توسعه دهند تا به انواع سؤالاتی که می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا اهداف پژوهش خود را محقق سازند، بیان‌دیشند. یک راهنمای مصاحبه برای محققان با تجربه هم سودمند است؛ به ویژه زمانی که پروژه جدیدی را آغاز می‌کنند. چرا لیستی از موضوعات را برای پوشش دادن در طول مکالمه نمی‌نویسید؟ برخی از محققان کیفی از این روش طرفداری می‌کنند تا امکان سیال و خود به خودی بودن مصاحبه را فراهم سازند. یک پروژه جدید بدون یک راهنما کاری به هر حال مملو از مشکلات است؛ خاصه این که فرد تازه کار هم باشد. این رویکرد به پرسیدن سؤالاتی غیرماه‌رانه با زمان بندی ضعیف و مداخله گر دعوت می‌کند که ممکن است با پیش فرض‌های بررسی نشده آن‌ها را تکمیل کنید. حتی مصاحبه‌گران با تجربه مثل دیوید کارپ هم (۲۰۰۹) راهنمای مصاحبه دارند. او می‌نویسد:

اولین مرحله مشخص در یک مطالعه مبتنی بر مصاحبه، طرح مستقیم سؤالاتی است که می‌خواهید بپرسید ... من زمان زیادی را صرف ساخت راهنمای مصاحبه می‌کنم. من کار کردن روی راهنمای مصاحبه را فراتر از تمرین روش‌شناختی محض می‌دانم. با این حال وقتی تلاش می‌کنم تا موضوعات تحلیلی و بلندپروازی‌های کارم را مشخص سازم، نکته دیگری در فرایند تحقیق و پژوهش وجود دارد. یک راهنمای مصاحبه به سادگی حوزه و دامنه پرس و جوی مرا مشخص می‌سازد. قطعاً من به این ایده احترام می‌گذارم که یک مصاحبه که به خوبی انجام شود، یک مکالمه هنری است که اغلب در جهات غیر منتظره حرکت می‌کند. در حالی که

^۹-Human subjects committees

^{۱۰}-institutional review boards (IRBs)

سؤالات یک محقق به طور اجتناب ناپذیری در طول یک بررسی و تحقیق تغییر می‌کنند، من به مدت طولانی و سخت در مورد موضوعات اساسی فکر می‌کنم که می‌خواهم در طول هر مصاحبه پوشش دهم. (ص ۴۰).

آیا در رویکرد کارپ، از قبل آن چه باید محتوای مصاحبه را شکل دهد، تصور شده است؟ شاید. با این حال او با مشاهده و تجربه، راهنمای مصاحبه خود را پیش بینی می‌کند. طراحی یک راهنمای مصاحبه سودمند که همزمان بر موضوع شما تمرکز می‌کند و پیگیری زمینه‌های جدیدی را که برای شما رخ نداده بود، تقویت می‌کند. رویکرد کارپ می‌تواند به شما کمک کند تا ابزاری خلق کنید که عمیقاً وارد موضوع می‌شود. کارپ (۱۹۹۶، ۲۰۰۱، ۲۰۰۶) تجربه فردی گسترده‌ای را وارد مطالعات ارزشمند خود در رابطه با افسردگی، داروهای روانپزشکی و مراقبت از بیمار نمود. در صحنه «سخن گفتن از غم»، کارل عنوان کرد که تقریباً به مدت ۲۰ سال من با درجات کم و زیاد افسردگی دست و پنجه نرم کردم (۱۹۹۶، ص ۳). زمانی که محققان قادرند به تجارب خود، راهنماهای مصاحبه و داده‌های متعاقب آن برای بررسی تحلیلی دقیق بپردازند، ترکیب دانش درونی و مطالعه مفصل می‌تواند تجزیه و تحلیل عمیقی به بار آورد.

سؤالات مصاحبه‌گر و سبک مصاحبه بافت، قالب و محتوا مطالعه را طرح ریزی می‌کند. متعاقباً یک پژوهشگر تازه‌کار ممکن است ناخواسته داده‌های مصاحبه را وارد مقوله‌های از پیش تصور شده نماید و مطالعه گروندتئوری را دست کم بگیرد. نه تنها پرسیدن سؤالات اشتباه به تحمیل داده‌ها منجر می‌گردد، بلکه چگونگی طرح کردن سؤال و سؤال بر پرسش توسط مصاحبه‌گر هم می‌تواند سبب تحمیل داده‌ها شود. سؤالات اشتباه نمی‌توانند موضوعات اساسی را بررسی کنند و تجارب مشارکت‌کنندگان را به زبان خودشان استخراج نمایند. چنین پرسش‌هایی ممکن است مفاهیم، دغدغه‌ها و گفتمان واقعیت مشارکت‌کنندگان در تحقیق را از آغاز به شکل دیگری جا بزند. پرسیدن سؤالاتی با توالی سریع ممکن است برای برخی از مدیران اجرایی که مشغله زیادی دارند مناسب باشد؛ اما برای افراد مسن و مریض حالتی بمباران کننده خواهد داشت. اجازه دهید مشارکت‌کنندگان در تحقیق شما آهنگ و سرعت مصاحبه را تعیین کنند و سپس آنچه برای او راحت به نظر می‌رسد را انعکاس دهید. مصاحبه‌های ضبط شده که بعداً نوشته می‌شوند، به راحتی به شما این امکان را می‌دهند تا ببینید چه زمانی سؤالات شما [درست] عمل نمی‌کنند یا داده‌ها [به مخاطب] تحمیل می‌گردند. زمانی که سؤالات غیر مرتبط، سطحی یا تحمیلی مجموع داده‌ها را شکل می‌دهند، تجزیه و تحلیل متعاقب آن دچار مشکل می‌شود. بنابراین لازم است محققان به طور مداوم در مود ماهیت پرسش‌های خود و این که آیا برای مشارکت‌کنندگان خاص و نظریه نوپای برآمده از گروندتئوری [درست] عمل می‌کنند یا خیر تفکر نمایند.

ساخت یک راهنمای مصاحبه شما را برای انجام مصاحبه واقعی آماده می‌کند. زمانی که در حال ایجاد، بازنگری و تنظیم سؤالات مصاحبه خود هستید، بهتر متوجه می‌شوید چگونه و چه زمانی در مکالمه از آن‌ها سؤال برسید. به خاطر داشته باشید چگونه پرسش‌ها سس با ساختار خوب بسازید. هر چند ممکن است سؤالات اصلی خود را دنبال نکنید یا در زمان اجرای مصاحبه به راهنمای مصاحبه نگاه کنید.

شاید انجام یک مصاحبه بدون راهنما، به نظر شبیه به یک راه حل بهتر برای درگیر ساختن مشارکت‌کننده در تحقیق در یک مصاحبه همزمان برسد. از قضا افراد تازه کاری که به کرات از مصاحبه بدون راهنما استفاده می‌کنند مضطرب می‌شوند، سرنخ‌ها را از دست می‌دهند، سؤالاتی که موضوع خاصی را القا می‌کنند) می‌پرسند و ممکن است منافع و علایق از پیش تصور شده خود را تحمیل کنند.

راهنمای مصاحبه شما می‌تواند سرنخ‌هایی در رابطه با زمان و محل تلطیف یک سؤال و غیر شخصی ساختن یک پاسخ در اختیار شما قرار دهند و به مشارکت‌کننده شانس دیگری برای امتناع از پاسخ به یک سؤال دهند. داشتن سؤالاتی در ذهن به شما کمک می‌کند تا وقتی مصاحبه‌شونده قبلاً به پرسشی مهم پاسخ گفته است به یک موضوع برگردید. احتمال کمی می‌رود که وقتی مشارکت‌کنندگان در تحقیق سرگردان هستند یا می‌پرسند که آیا پاسخی را در اختیار شما قرار می‌دهند که می‌خواستید یاد بگیرید، بلرزد یا از مسیر خاج شوید. شما سؤالی در ذهن دارید که می‌توانید برای بررسی بیشتر موضوع به راحتی آن را تطبیق دهید. به طور مثال ممکن است یک مصاحبه‌گر بگوید «وقتی حمله قلبی داشتید گفتید در مرخصی بودید. می‌توانید از رویدادهایی بگویید که باعث شد مرخصی بگیرید؟»

توجه کنید که پرسش‌های من پاسخ به یک سؤال چرایی را بدون توسل به صراحت و مداخله‌گری مرتبط با سؤال «چرا مرخصی گرفتید» تقویت می‌کند. به تفاوت گفتن جمله «جالب است، می‌توانید راجع به آن بیشتر به من بگویید؟» و جمله «چرا آن طور فکر می‌کنید؟» به یک مشارکت‌کننده در تحقیق توجه کنید. اولین سؤال دلگرم‌کننده و تشویق‌کننده است؛ دومین جمله گزارش، توضیح یا توجیه می‌خواهد. اولین سؤال به طور ضمنی بیانگر علاقه و پذیرش است. دومین پرسش بیانگر ناکافی بودن پاسخ مشارکت‌کننده است و قابل باور بودن پاسخ او را در مورد تردید قرار می‌دهد. متعاقباً مشارکت‌کنندگان در تحقیق ممکن است در تعدادی از مانورها برای حفظ آبرو، دفاع از اقدامات خود، حفظ هویت خود یا صرفاً رهایی از قید مصاحبه درگیر شوند.

سؤالات برنامه ریزی شده به شما کمک می‌کنند تا به شیوه‌ای ملایم‌تر و کمتر تقابلی بداهه سازی کنید؛ که البته هدف مصاحبه متمرکز هم همین است. بسط و توسعه مجموعه‌ای از سؤالات به محققان کمک می‌کند تا از

علايق، مفروضات و کاربرد زبان آن‌ها آگاه و مطلع باشند. بررسی و مطالعه این سؤالات به محقق کمک می‌کند تا نه تنها به تحقیق در مورد خود سؤالات بپردازند، بلکه از همان آغاز در خصوص فرایند تحقیق هم بیندیشند. قرار دادن راهنمای مصاحبه یک فرد در مقابل سؤالات زیر به تفکر و اندیشه منجر شده و سبب تسریع بازنگری و اصلاح می‌شود:

۱. راهنمای مصاحبه تا چه اندازه دیدگاه‌ها، نگرانی‌ها و تجارب مشارکت‌کننده در تحقیق را استخراج می‌کند؟
۲. راهنمای مصاحبه تا چه اندازه علايق و دیدگاه‌های من را به جای علايق و دیدگاه‌های مشارکت‌کننده در تحقیق منعکس می‌سازد؟
۳. آیا راهنمای مصاحبه به هدف تحقیق می‌پردازد؟
۴. چگونه می‌توانم سؤالاتم را مطرح کنم که مکالمه رو به چیزی باز گردد که مشارکت‌کننده در تحقیق باید بگوید و همزمان اهداف تحقیقم را محقق سازم؟
۵. تا چه اندازه سؤالات را به خوبی و محترمانه بیان کرده‌ام^{۱۱}؟ آیا به راحتی سؤالات سخت و دشوار را برای مشارکت‌کننده بیان کرده‌ام؟
۶. آیا برای آن چه در این مصاحبه لازم است سؤالات زمینه‌ای صحیح را پرسیده‌ام؟
۷. آیا اطلاعات کافی در مورد مشارکت‌کنندگان در تحقیق دارم تا به تجربیات او بپردازم؟
۸. آیا مشارکت‌کننده در تحقیق را به اندازه کافی برای آن چه در ادامه می‌آید آماده کرده‌ام؟
۹. از نظر کسی که این تجربه را داشته است این سؤالات چگونه‌اند؟
۱۰. سؤالات من بر پایه چه مفروضاتی قرار دارند؟ مشارکت‌کننده در تحقیق تا چه اندازه در مفروضات من سهیم است (مفروضات مشترکی دارد)؟
۱۱. آیا سؤالات را به نحوی بیان کرده‌ام که مشارکت‌کننده در تحقیق از آن استفاده کند یا آن را درک نماید؟
۱۲. آیا سؤالات واضح و شفاف و خلاصه هستند؟
۱۳. آیا به تحقیق و بررسی‌هایی که متعاقب سؤالات عمومی من پدید می‌آیند فکر کرده‌ام؟ آیا هیچ یک از بررسی‌ها و جستجوهای من مداخله‌گرایانه است؟

^{۱۱}-paced the questions

برای آغاز مطالعه بر پایه گروندتئوری چند سؤال تشریحی گسترده طراحی کنید. سپس می‌توانید بر پرسش‌های مصاحبه خود تمرکز کنید تا به طور مفصل در مورد موضوع بحث و گفتگو نمایید. با ایجاد سؤالات تشریحی غیر قضاوتی، اظهارات غیرپیش‌بینی شده را می‌پروانید و داستان‌هایی پدید می‌آید. ترکیب نحوه ساخت سؤالات توسط شما و اجرای مصاحبه نحوه دستیابی شما به یک تعادل میان تشریحی بودن مصاحبه (باز بودن مصاحبه) و تمرکز بر اظهارات قابل توجه را شکل می‌دهد. در صورتی که داستان‌هایی به وجود آید^{۱۲} ممکن است اولین سؤال شما برای کل مصاحبه کفایت کند. اوهم‌های پذیرنده (استقبال کننده)، چند سؤال شفاف کننده و اظهار نظرها ممکن است سبب به وجود آمدن یک داستان در زمانی شود که مشارکت کننده می‌تواند و خواهان گفتن آن است. من به دقت پرسش‌ها را می‌نویسم و از آن‌ها را به آرامی می‌پرسم تا تفکرات مشارکت کنندگان را تقویت کنند.

اغلب پژوهشگران، از مصاحبه متمرکز برای اکتشاف استفاده می‌کنند نه بازجویی (شارما، ۱۹۹۱). طراحی و صورت‌بندی سؤالات به مهارت و تمرین نیاز دارد. پرسش‌ها می‌بایست موضوع مصاحبه‌گر را واکاوی کنند و با تجربه مشارکت کننده متناسب باشند. همانطور که در این جا مشهود است این نوع سؤالات محدوده گسترده‌ای از تجارب را پوشش می‌دهند؛ اما در عین حال به اندازه کافی محدود هستند تا تجارب خاص مشارکت کنندگان را استخراج نموده و آن‌ها را توضیح دهند.

من در این جا سؤالات نمونه‌ای را گنجانده‌ام تا ایده‌هایی در خصوص نحوه طراحی و قالب‌بندی سؤالات، برای مطالعه فرایند را در اختیار شما قرار دهند. هم‌چنین این سؤالات بیانگر سؤال یک کنش متقابل نمادین بر یادگیری دیدگاه‌های مشارکت کنندگان، رویدادهای تجربه شده و اقدامات هستند. هدف از سؤالات نمونه بررسی تجربه فردی است. برای یک پروژه مرتبط با فرایندهای سازمانی و اجتماعی، من در ابتدا پرسش‌ها را به سمت تمرین‌های جمعی هدایت نموده و سپس به مشارکت فرد در آن‌ها و دیدگاه‌های آنان می‌پردازم. این سؤالات نمونه، صرفاً مثال‌هایی برای توجه بیشتر فراهم می‌آورند. در مورد آن‌ها فکر کنید و تا حد امکان چند پرسش تشریحی برای مطالعه خود بنویسید. من هرگز تمامی سؤالات زیر را نپرسیده‌ام و ممکن نیست در یک جلسه فراتر از مجموعه اولیه سؤالات رفته باشم. من به ندرت راهنمای مصاحبه را به خود در یک مصاحبه همراه داشته‌ام. ترجیح می‌دهم مصاحبه را مکالمه گونه و غیر رسمی نگه دارم. با این حال، افراد تازه‌کار به ساختاربندی بیشتری نیاز دارند. داشتن یک راهنمای مصاحبه به همراه سؤالات باز خوب برنامه ریزی شده و کاوشگرهای^{۱۳} حاضر و آماده، می‌توانند اعتماد به نفس شما را افزایش دهند و امکان تمرکز بر آنچه افراد می‌گویند را برای شما

^{۱۱}-tumble out

^{۱۲}-probes

فراهم آورند. در غیر این صورت این امکان وجود دارد که بررسی و کشف نکات مشخصی را از دست بدهید زیرا شما با آن چه باید بعداً بپرسید و این که چگونه بپرسید منحرف می‌شوید. متعاقباً این امکان وجود دارد که شما مجموعه‌ای از پرسش‌هایی را مطرح کنید که با «آیا شما» آغاز می‌گردند که بررسی و واکاوی موضوع را متوقف می‌سازند. بدتر از همه این که روند سؤال پرسیدن شما می‌تواند بلغزد و وارد یک بازجویی شود. هر دوی این موارد می‌تواند هدف یک مصاحبه متمرکز را با شکست روبرو سازد. مصاحبه کردن نیازمند مهارت است و شما می‌توانید یاد بگیرید که چگونه مصاحبه کنید.

درست همانطور که ممکن است نیاز داشته باشید تا به مصاحبه با مشارکت‌کنندگان خاصی توجه مخصوصی داشته باشید، موضوعات زیادی هم وجود دارند که در زمان برنامه‌ریزی مصاحبه شما و اجرای آن به توجه ویژه‌ای را می‌طلبند. مطالعه و بررسی اختلالات زندگی یا رفتارهای نشاندار ممکن است سؤالاتی در رابطه با مداخله و رفتار سرزده را برانگیزد. شاید مشارکت‌کنندگان داستان‌های دردناکی را در طول مصاحبه بیان کنند که هرگز تصور نمی‌کردند آن‌ها را بازگو کنند و این امر ممکن است به مطالعه شما مربوط باشد یا نباشد. در چنین مواردی من از اصولی پیروی می‌کنم که ممکن است به شما در طراحی بهتر پرسش‌ها و اجرای مصاحبه واقعی کمک کند.

- به سطح راحتی مشارکت‌کنندگان اولویت بالاتری نسبت به کسب داده‌های خوب و جامع^۴ بدهید.
- سؤالات را به نوعی طراحی و صورت‌بندی کنید که تجربه را از دیدگاه مشارکت‌کننده درک نمایید.
- این نکته را تأیید کنید که دیدگاه‌ها و تجارب مشارکت‌کنندگان اهمیت دارند.
- مراقب سؤالاتی باشید که سبب ایجاد تنش و اضطراب در مشارکت‌کنندگان در رابطه با یک حادثه یا تجربه می‌شوند.
- سؤالات پیگیری کننده طراحی کنید که سبب ترغیب مشارکت‌کنندگان به توضیح دادن می‌شوند.
- سؤالات نهایی را به سمت پاسخ‌های مثبت هدایت کنید تا مصاحبه در یک سطح مثبت خاتمه یابد.
- در سراسر فرایند تحقیق ارزیابی مجدد انجام دهید، بازنگری کنید و سؤال اضافه کنید.

نوع هیئت‌های بررسی سازمانی و آزمودنی‌های انسانی که کمیته‌ها نیاز دارند با ماهیت نوظهور تحقیق کیفی در کل و به طور خاص با روش‌های گرونددتئوری مطابقت ندارد. سؤالات مصاحبه مشکلات خاصی در کسب تأیید از هیئت‌های بررسی سازمانی و کمیته‌های آزمودنی‌های انسانی به وجود می‌آورند. سؤالات مطرح شده مصاحبه باید به اندازه کافی با جزئیات همراه باشند تا ارزیابان را متقاعد سازد که با پذیرا بودن به اندازه کافی برای

^۴-juicy data

این که امکان پدیدار شدن مطالب پیش بینی نشده در مصاحبه میسر گردد، هیچ ضرر و زیانی برای مشارکت‌کنندگان در تحقیق رخ نمی‌دهد. لیستی از پرسش‌های باز که به خوبی روی آن‌ها فکر شده است سودمند است. این کمیته‌ها با آگاه‌تر شدن از تحقیق کیفی، معمولاً یک راهنمای مصاحبه را به همراه انواع سؤالاتی که قصد دارید بپرسید، به جای تقاضای لیستی آیت‌م‌بندی شده از آنچه واقعاً می‌خواهید بپرسید، می‌پذیرند.

نمونه‌ای از سؤالات مصاحبه زمینه بنیان در رابطه با تغییر زندگی

سؤالات باز اولیه

- ۱ به من بگویید چه اتفاقی افتاد (یا چگونه دریافتید که)?
- ۲ چه زمانی برای اولین بار را تجربه کردید (در صورتی که اصلاً چنین تجربه‌ای داشته‌اید) (یا متوجه شدید که)?
- ۳ (در صورتی که چنین تجربه‌ای داشته‌اید) این تجربه شبیه چه بود؟ اگر به یاد می‌آورید، به چه فکر می‌کردید؟ چگونه متوجه شدید که؟ چه کسی بر اعمال شما تأثیر گذار بود (اگر کسی بوده است)؟ به من بگویید او / آن‌ها چگونه بر شما اثر گذاشتند؟
- ۴ می‌توانید رویدادهایی را توضیح دهید که به منجر شد (یا قبل از رخ داد)؟
- ۵ چه چیزی باعث شد؟
- ۶ در زندگی شما چه اتفاقی می‌افتاد؟ چگونه می‌توانید توضیح دهید که قبل از بروز را چگونه می‌دیدید؟ نظر شما در مورد چگونه تغییر کرد (در صورتی که اصلاً تغییر کرد)؟
- ۷ شخصیتی که داشتید را چگونه توصیف می‌کنید؟

سؤالات میانی

- ۱ در مورد چه می‌دانید؟
- ۲ می‌توانید در مورد اندیشه‌ها و احساساتتان در زمانی که در مورد یاد می‌گرفتید به من بگویید؟
- ۳ بعد چه اتفاقی افتاد؟
- ۴ چه کسی در این اتفاق دخالت داشت (در صورتی که اصلاً کسی دخیل بوده است)؟ چه زمانی بود؟ نحوه دخالت آن‌ها چگونه بود؟
- ۵ در صورتی که به خاطر می‌آورید، می‌توانید به من بگویید چطور یاد گرفتید را کنترل کنید؟
- ۶ اندیشه‌ها و احساسات شما در مورد از زمان چگونه تغییر کرده است (در صورتی که اصلاً تغییری در کار باشد)؟
- ۷ از زمان چه تغییرات مثبتی در زندگی شما (یا) رخ داده است؟
- ۸ از زمان کدام تغییرات منفی در زندگی شما (یا) رخ داده است (در صورتی که اصلاً تغییری رخ داده باشد)؟
- ۹ به من بگویید چگونه انجام دادید. شما چه کاری انجام دادید؟
- ۱۰ آیا می‌توانید یک روز معمولی را در زمانی که هستید توضیح دهید؟ (زمان‌های مختلف را بررسی کنید). حالا در مورد یک روز معمولی در زمانی که هستید به من بگویید.
- ۱۱ می‌توانید به من بگویید شخصیت کنونی خود را چگونه توصیف می‌کنید؟ چه چیزی بیش از همه در این تغییر (یا تداوم) دخیل بوده است؟
- ۱۲ زمانی که به گذشته به می‌نگرید، آیا هیچ رویداد دیگری وجود دارد که به طور برجسته در ذهنتان مانده باشد؟ آیا می‌توانید

آن (هریک) را توضیح دهید؟ این رویداد چه تأثیری بر آن چه آن چه اتاق افتاده است دارد؟ شما به (رویداد، موقعیت پیش آمده) چه واکنشی نشان می‌دهید؟

۱۳ می‌توانم از شما بخواهم مهمترین درس هایی که از تجاربتان فرا گرفتید را توضیح دهید؟

۱۴ خودتان را در عرض ۲ سال (۵ سال، ۱۰ سال، به شکل مناسب) در چه جایگاهی می‌بینید؟ شخصی را که امیدوارید آنگونه باشید توصیف کنید. چگونه شخصی را که امیدوارید باشید با شخصی که اکنون هستید مقایسه می‌کنید؟

۱۵ چه چیزی به شما کمک می‌کند را مدیریت کنید؟ با چه مشکلاتی ممکن است روبرو شوید؟ آیا می‌توانید منبع آن مشکلات را برای من عنوان کنید؟

۱۶ در طول این زمان چه کسی از همه بیشتر برای شما کمک کننده بوده است؟ به چه نحوی به شما کمک کرده است؟

۱۷ آیا هیچ سازمانی برای شمت مفید و کمک کننده بوده است؟ در چه رابطه‌ای به شما کمک کرده است؟ چگونه کمک کننده بوده است؟

سؤالات پایانی

۱ اگر می‌کنید مهم‌ترین راه‌ها برای کدامند؟ چگونه آن‌ها را کشف (یا ایجاد) کردید؟ تجربه شما پیش از چگونه بر نحوه کنترل اثر گذاشته است؟

۲ آیا می‌توانید به من بگویید از زمانی که شما دیدگاه‌هایتان (و یا اعمال شما، با توجه به موضوع و پاسخ‌های قبل) چگونه تغییر یافته است؟

۳ از زمانی که شما به عنوان یک فرد چگونه رشد یافته‌اید؟ در مورد نقاط قوتی که از طریق کشف کردید یا بسط و توسعه دادید با من بگویید. (در صورتی که مناسب است) اکنون چه چیزی در شما بیش از همه چیز ارزشمند است؟ سایر ارزش‌های مهم در شما کدامند؟

۴ پس از این تجارب، به کسی که تازه کشف کرده که او چه توصیه‌ای دارید؟

۵ آیا چیزی وجود دارد که قبل از بروز آن در طول این مصاحبه در موردش فکر نکرده باشید؟

۶ آیا چیز دیگری وجود دارد که فکر کنید اگر من بدانم بهتر است؟

۷ آیا چیزی وجود دارد که مایل باشید از من بپرسید؟

جعبه ۱

این سؤالات با هم همپوشانی دارند. این همپوشانی به مصاحبه‌گر این امکان را می‌دهد که برای کسب اطلاعات بیشتر به رشته پیوند قبلی برگردد و یا پرسش‌های غیرضروری یا ناراحت کننده را پاک کند. استفاده از یک دستگاه ضبط صوت به شما این امکان را می‌دهد تا به مشارکت کننده در تحقیق خود توجه کامل داشته باشید، به طور مداوم با او تماس چشمی برقرار کنید و داده‌ها را با جزئیات به دست آورید. نوشتن نکات کلیدی در طول مصاحبه، تا جایی که حواس شما و مشارکت کننده در تحقیق را پرت نکند، مفید خواهد بود. نوشته‌ها به شما یادآوری می‌کنند تا برای مرور این نکات برگردید و چگونگی طرح سؤالات پیگیری کننده را نشان می‌دهند. توجه کنید که سؤالات ۵ و ۶ در میان سؤالات پایانی، به جای کلیشه‌های متداول، بیشتر در مورد چیزی

می‌پرسند. دیوید سیلورمن (۲۰۰۸) به من گفت تحلیلگران گفتگو کشف کردند که ایجاد این تغییرات کوچک، به جای ختم مکالمه، جزییات بیشتری را استخراج می‌کند.

در صورتی که مشارکت‌کننده در تحقیق موضوعات حساس را در اواخر فرایند مصاحبه مطرح سازد، امکان دارد شما نیاز به طرح سؤالات پایانی بیشتری داشته باشید. پرسش‌های اضافی به شما کمک می‌کنند تا حس کامل شدن مصاحبه را داشته باشید و آهنگ و محتوای مصاحبه خود را به آهنگ و محتوای یک مکالمه معمولی بازگردانید. پس از طراحی راهنمای مصاحبه برای سؤالات باز، در مورد سؤالات زمینه‌ای اطلاع‌رسان فکر کنید که برای این مطالعه لازم است بپرسید. طراحی دیرتر این سؤالات به شما کمک می‌کند تا آنها را با موضوع خود متناسب سازید؛ به نحوی که اطلاعات درخواست شده به آرامی به سؤالات باز بعدی منجر گردند.

قوانین و مقررات و انتظارات در مصاحبه

ممکن است یک مصاحبه متمرکز محاوره‌ای باشد، اما از قوانین و مقررات گوناگونی پیروی کند. یک پژوهشگر علایق و مطالباتش را مطرح می‌سازد تا بیشتر بداند. آنچه ممکن است در یک مکالمه معمولی و یک توافق دوستانه - حتی با افراد محرم - پرسیدنش دور از ادب باشد و یا بی اهمیت تلقی گردد، به موضوعی مهم^{۱۵} برای اکتشاف تبدیل می‌گردد؛ به شرطی که مشارکت‌کنندگان در تحقیق رضایت داشته باشند. همانطور که نیگل کینگ و کریستین هوروک (۲۰۱۰) خاطر نشان ساختند، رضایت داشتن چیزی فراتر از امضای فرم رضایت آگاهانه است. هم‌چنین رضایت داشتن به معنای آن است که مصاحبه‌گر سرنخ‌های غیرکلامی مشارکت‌کننده در تحقیق را می‌خواند و قبل از پرسیدن سؤالاتی که ممکن است مداخله‌گر باشند، در طول مصاحبه با او چک می‌کند. شما می‌توانید به مشارکت‌کننده در پژوهش خود یاد آوری کنید که می‌تواند پیش از پرسش در مورد زمینه‌های استرس‌زا، از پاسخ به یک سؤال خاص یا طیفی از سؤالات امتناع کند.

پاول روزنبلات (۱۹۹۵)، پژوهشگر مرگ، هنگام پرسیدن سؤالات بالقوه ناراحت‌کننده، فضایی را برای مشارکت‌کننده می‌گشود تا در طول مصاحبه از پاسخ خودداری کند. او به مشارکت‌کنندگان در تحقیق یادآوری می‌کند که مجبور نیستند به پرسش‌های حساس در این زمینه، با عبارات زیر پاسخ دهند.

- نمی‌دانم پرسیدن این سؤال مناسب است یا نه، اما
- احساس می‌کنم تمامی این سؤالات شخصی باشند. هرزمانی که بخواهید می‌توانید به من بگویید ساکت شوم (خفه شوم).

• می‌توانم از شما سؤال کنم؟ (ص ۱۴۸)

روزنبلات خانواده‌های عزاداری را بررسی کرد که در تصادفات مزرعه کشته شده بودند. او پاسخ مشارکت‌کنندگان در تحقیق خود را برای سؤالاتش ذکر می‌کرد و زمانی که مشارکت‌کنندگان دچار تنش و استرس می‌شدند با گفتن «می‌توانم از شما بپرسم؟» از سؤالات خود باز می‌گشت. با استفاده از این عبارت، او به جای گفتن «در مورد ... به من بگو»، از کنترل خود روی مصاحبه می‌کاست.

^{۱۵}-grist

تلطیف کردن یک پرسش، می‌تواند از تهاجمی بودن بالقوه آن بکاهد. اغلب بینش‌های به دست آمده از مشارکت‌کنندگان در مطالعات قبلی، می‌تواند ما را از این حیث آگاه سازد که کدام سؤالات را باید تلطیف کرد و چگونه باید این کار را انجام داد. ممکن است پرسش‌های ما، نگرانی‌ها و دغدغه‌های پنهان آن‌ها را نمایان سازند و یا کنش‌ها و احساسات آن‌ها را از نظر اخلاقی زیر سؤال ببرند. در صورتی که چنین باشد، می‌توانید سؤال خود را با یک مشاهده کلی از مصاحبه‌های قبلی ارتباط دهید؟ به این سؤال در رابطه با ارائه دهندگان خدمات مراقبتی برای مرگ پدر و مادر ضعیف و سالمند خود توجه کنید: «سایر افراد به من گفته‌اند که ماتم آنان برای از دست دادن والدین نحیف خود با حس آشکار شدن در هم آمیخته بود. می‌توانم بپرسم شما چه حسی داشتید؟»

در حقیقت مصاحبه متمرکز به معنای بداهه‌پردازی است. ضروری‌ست شما نسبت به نحوه پاسخ دادن مشارکت‌کننده در تحقیق به سؤالات حساس باشید. یک پرسش غیر ماهرانه یا مداخله جویانه در لحظات پرتنش و غم‌انگیز، آهنگ و جریان مصاحبه را مختل می‌سازد و ممکن است شما نیز گستاخ به نظر آیید.

مشارکت‌کنندگان اغلب از مصاحبه‌گران انتظار دارند سؤالاتی طرح کنند که سبب اندیشیدن در باب موضوع شوند. به جای گفتن اوهم یا تنها سر تکان دادن، انگار که معانی به طور خودکار به اشتراک گذاشته می‌شوند، ممکن است یک مصاحبه‌گر سؤال کند «جالب است؛ می‌توانید بیشتر در مورد آن با من حرف بزنید؟» یا «آیا مقدور است به من بگویید چگونه آن را تعریف می‌کنید، تا من آن را از زبان شما بشنوم؟». اظهارات و سؤالات شما در نقش یک مصاحبه‌گر می‌تواند به مشارکت‌کننده کمک کند تا مقاصد و معانی مورد نظر خود را بیان کند. با پیشرفت مصاحبه این امکان وجود دارد که درخواست شفاف‌سازی جزئیات را داشته باشید تا اطلاعات دقیق‌تری کسب کنید و در مورد تفکرات و تجارب مشارکت‌کنندگان بیشتر بیاموزید. برخلاف مکالمه معمولی، یک مصاحبه‌گر می‌تواند [مسیر] مکالمه را تغییر داده و احساسات را پیگیری کند. یک مصاحبه تحت لوای مکالمه معمولی جریان می‌یابد و رویدادها، دیدگاه‌ها و احساسات قبلی را از نو بررسی می‌کند.

مصاحبه‌های متمرکز به مصاحبه‌گر این امکان را می‌دهند تا:

- توصیف عمیقی از تجارب مطالعه شده را مطالبه کند؛
- برای کشف و بررسی یک موضوع یا اظهارنظر متوقف شود؛
- جزئیات یا توضیحات بیشتری را تقاضا نماید؛
- در مورد اندیشه‌ها، احساسات و اعمال مشارکت‌کننده در تحقیق سؤال بپرسد؛
- مشارکت‌کننده در تحقیق را در مدار موضوع حفظ کند؛

- به نقطه قبلی برگردد؛
- نکات [اظهار شده] مشارکت کننده در تحقیق را بازگو کند تا دقت و صحت آن‌ها را کنترل نماید؛
- ریتم [مصاحبه] را کند یا تند کند؛
- مواضع، دیدگاه یا عمل مشارکت کننده در تحقیق را تأیید نماید؛
- از مهارت‌های مشاهده‌ای و اجتماعی برای پیشبرد بحث استفاده کند؛
- به مشارکت کنندگان احترام بگذارد و از مشارکت او قدردانی نماید.

اکنون این حقوق مکالمه‌ای را با افشاگری‌ها در زندگی معمولی مقایسه کنید. قوانین مکالمه‌ای ممکن است به شما امکان دهند که گوش بسپارید، درخواست شفاف سازی نکنید، با گوینده دست کم - به طور ضمنی موافقت کنید اما سؤال نپرسید، به گوینده اجازه دهید به جای توقف و بررسی نکات قبلی جریان مکالمه را هدایت کند، به یک داستان گوش کنید اما برای باز آفرینی داستان شخصی دیگری، آن را با واژه‌های خود تکرار نکنید. به این فکر کنید که پس از آن که یک دوست داستانی بلند را با شما در میان گذاشت چه روی می‌دهد. به او می‌گویید «اجازه بده ببینم این رویدادها را به خوبی گرفتم» و متعاقب آن هر پیچ و خمی را در داستان او با تصاویر خود باز آفرینی کنید.

هم‌چنین یک مشارکت کننده در تحقیق از امتیازات ویژه مکالمه‌ای در طول مصاحبه برخوردار است. مصاحبه‌های متمرکز این امکان را برای مشارکت کننده فراهم می‌آورند تا:

- سکوت را بشکنند و دیدگاه‌های خود را بیان کنند؛
- داستان‌های خود را بازگو کنند و یک قالب منسجم به آن‌ها ببخشند؛
- به رویدادهای قبلی بیاندهند؛
- کارشناس و متخصص باشند؛
- آنچه می‌خواهند بگویند و نحوه گفتن آن‌ها را انتخاب کنند؛
- تجارب قابل توجه و مهم را به اشتراک بگذارند و به مصاحبه‌گر نحوه تفسیر آن‌ها را آموزش دهند؛
- اندیشه‌ها و حساساتی که در سایر روابط و زمینه‌ها مجاز نیستند را بیان نمایند؛
- به دیدگاه جدیدی در رابطه با رویدادهای گذشته و رویدادهای کنونی دست یابند؛
- تأیید و درک شوند..

یادگیری در مورد تجارب مشارکت‌کنندگان یک مزیت است. شما با تمرین می‌توانید مهارت انجام مصاحبه‌های یکنواخت به همراه جریان راحت سؤالات را به دست می‌آورید. در جعبه ۲ لیست رهنمودهایی برای انجام مصاحبه متمرکز آمده است. در صورتی که تجربه کمی در اجرای مصاحبه دارید، این رهنمودها به شما کمک می‌کنند تا بتوانید مهارت‌هایتان را افزایش دهید.

باید و نبایدهای مصاحبه متمرکز

باید

- ۱ کمی بیشتر گوش دهید و گوش دهید و گوش دهید.
- ۲ سعی کنید رویدادها، عقاید و احساسات توصیف شده را از دید مشارکت‌کنندگان درک کنید نه از دیدگاه خودتان.
- ۳ هم‌درد و حامی باشید.
- ۴ اعتمادسازی کنید.
- ۵ مشارکت‌کننده را تشویق کنید تا رویدادها را به زبان خود بیان کند
- ۷ از مشارکت‌کننده در تحقیق بخواهید توضیح دهد، شفاف سازی کند، یا مثال‌هایی در رابطه با دیدگاه‌های خود ارائه دهد.
- ۸ به پاسخ‌های غیر کلامی شرکت‌کننده به خود و سؤالاتان حساس باشید.
- ۹ در پرسشی که کارایی ندارد بازنگری کنید.
- ۱۰ برای موضوعات پیش‌بینی نشده که ممکن است روی دهند مشتاقانه وقت بگذارید.
- ۱۱ احساسات مشارکت‌کننده، نسبت به تجربه مصاحبه و خود، را مثبت باقی بگذارید
- ۱۲ از فرصتی که برای گفتگو با او (و شاید شناخت او) در اختیارتان قرار گرفته قدردانی کنید

نباید

- ۱ حرف شرکت‌کننده در مصاحبه را قطع نکنید
- ۲ حرف شرکت‌کننده در مصاحبه را در مورد دیدگاه‌ها، تجارب یا احساساتش، تصحیح نکنید
- ۳ او را بازجویی نکنید و با او مقابله ننمایید.
- ۴ بر سؤالات پژوهشی «آیا شما ...» تکیه نکنید (این سؤالات به جای اطلاعات یا اندیشیدن، پاسخ‌های بله و خیر را در بر دارند).
- ۵ پرسش‌هایی که با «چرا» آغاز می‌شوند نپرسید (در فرهنگ‌های مختلف این گونه سؤالات به طور کلی چالش‌هایی خصمانه تلقی می‌گردند. به جای آن سؤال خود را به این شکل بیان کنید: «در مورد ... به من بیشتر بگو.»، «می‌توانی در مورد ... به من بیشتر بگویی؟»، «چطور ...»، «چه چیزی ...؟»).
- ۶ سؤالات باردار نپرسید (سعی کنید پرسش‌ها - حتی سؤالات پیگیری کننده - را با اصطلاحات خنثی صورت‌بندی و مطرح کنید).
- ۷ از مشارکت‌کنندگان انتظار نداشته باشید به سؤالاتی پاسخ دهند که خود شما مایل به پاسخ‌گویی به آن‌ها نیستید.
- ۸ در مصاحبه موضع اقتدارگرا نگیرید (این که شخصی ددگاه‌های خصوصی و تجارب فردی‌اش را با شما در میان می‌گذارد یک مزیت است - برابری ایجاد کنید نه اقتدار و قدرت).
- ۹ از آن چه مشارکت‌کننده در پژوهش‌آرزو دارند بگویند چشم‌پوشی نکنید و آن‌ها را نادیده نگیرید. در صورت نیاز، زمان بیشتری را به او اختصاص دهید.
- ۱۰ پیگیری را فراموش نکنید و بنابراین یادتان نرود نکات را شفاف سازی کنید. اطلاعات بیشتری درخواست کنید.

۱۱ برای اتمام مصاحبه سر وقت، از سر و ته آن نزنید.

۱۲ زمانی که احساس می‌کنید مشارکت‌کننده دچار تنش و اضطراب شده او را به حال خود رها نکنید.

جعبه ۲

مذاکره و گفتگو در طول مصاحبه

مصاحبه بافت‌مند و مذاکره‌ای است. مصاحبه متمرکز در خصوص یک موضوع خاص سبب می‌گردد تا مشارکت‌کنندگان موضوع را از منظر^{۱۶} تجارب خود واکاوی کنند. محققان جهت اولیه را به مصاحبه می‌دهند، اما ماهیت نوظهور و شبه ساختاریافته^{۱۷} مصاحبه، می‌تواند کنترل را به سمت مشارکت‌کنندگان تغییر دهد (کوربین و مورس ۲۰۰۳). بسیاری از اظهارنظرهای من در مورد افراد مختلف به کار می‌روند، اما موضوعاتی را نیز خاطرنشان می‌سازم که ممکن است در زمان مصاحبه با نخبگان یا مقامات به حاشیه رانده شده پیش آیند.

مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده ممکن است تشخیص دهند که این قوانین مکالمه‌ای، تا حدی از گفتگوی عادی متفاوت هستند. می‌توانید پیشاپیش به مشارکت‌کنندگان بگویید که می‌خواهید، بدون این که خود را تحمیل کنید، تجربه آن‌ها را با بیان خود آن‌ها و از زبان آن‌ها درک کنید. لذا می‌توانید گه‌گاهی جزئیات بیشتری در مورد منظور آن‌ها بپرسید. زمانی که پرسش‌های کاوش‌گرانه طرح می‌کنید این کار می‌تواند به شما کمک کند تا هدفتان را توضیح دهید. همان‌طور که سوزان اُستراندر (۱۹۹۳) عنوان نمود، در زمان مصاحبه با افراد نخبه، به مشارکت‌کننده یادآوری کنید که در موقعیت‌های اجتماعی این سؤالات را مطرح نخواهید کرد.

مصاحبه‌گران با حساس شدن نسبت به نگرانی‌ها و دغدغه‌ها و آسیب‌پذیری‌های مشارکت‌کنندگان می‌آموزند تا چه حد به عمق یک مطلب وارد شوند و چه زمانی نکته‌ای را با سؤالات کاوشگرانه بیشتر بررسی کنند. زبان بدن و چهره مشارکت‌کنندگان و آهنگ، سرعت و عبارت‌بندی آن‌ها، سرنخ‌های مورد نیاز را به مصاحبه‌گران می‌دهد تا پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان در اظهاراتشان را دریابند.

سؤالات خنثی بیانگر دیدگاه خنثی نیست. در عوض یک مصاحبه بیانگر چیزی است که مصاحبه‌گر و مشارکت‌کننده با خود به مصاحبه می‌آورند، برداشت‌های آن‌ها در طول مصاحبه و روابط ایجاد شده در این مصاحبه را نشان می‌دهد. مصاحبه‌گران باید نسبت به چگونگی برداشت مشارکت‌کنندگان از آن‌ها هماهنگ و کوک^{۱۸} باقی بمانند. هویت‌های آنی و گذشته افراد ممکن است بر ویژگی و محتوای رابطه متقابل اثر بگذارد.

^{۱۶}-vantage point

^{۱۷}-semi-structured, emergent

^{۱۸}-remain attuned to

گذشته و حال حکایت از سؤالات ضمنی مشارکت‌کنندگان و مذاکرات مربوط به فرایند مصاحبه و بحث و گفتگو در طول آن دارد. به همین نحو، امیدها و رؤیاهای بر بادرفته می‌تواند محتوای مصاحبه را شکل دهد. مشارکت‌کنندگان در پژوهش مصاحبه‌گر را مورد سنجش قرارداده، موقعیت را برآورد نموده و مطابق با ارزیابی‌های کنونی خود و دانش قبلی شان و اغلب بدون فکر واندیشه^{۱۹} عمل می‌کنند. افرادی که بحران‌ها را تجربه کرده‌اند ممکن است سمت و سو، موضوعی که باید در مورد آن سخن بگویند و این که تا چه حد به عمق آن بپردازند را از مصاحبه‌گر سؤال کنند. بخشی از آن به این منظور است که بدانند آیا مصاحبه‌گر می‌تواند تجربه را درک کرده و به آن گوش سپارد یا خیر. تجاربی که امکان دارد در زندگی معمولی و عادی سورئال به نظر آیند و یا با شرم و رنج همراهند، می‌توانند آن چه را که مشارکت‌کنندگان در تحقیق می‌گویند و میزان فاش شدن آن تجربه را شکل دهند. بنابراین بیماری که به شدت سوخته ممکن است با دیدن لرزش مصاحبه‌گر سخن گفتن در خصوص درد مشقت بار پاکسازی زخم‌هایش را به حداقل برساند.

زمان‌مندی در رابطه با نخبگان و افراد به حاشیه رفته اهمیت دارد. زمان منبعی است که مرزها را بُرنده می‌سازد و برای نخبگان پر مشغله به سرعت حرکت می‌کند. ممکن است آن‌ها به وارد شدن در یک مکالمه با فراغت خاطر اعتراض کنند، زمان کمتری از آنچه شما درخواست می‌کنید به شما اختصاص دهند و انتظار داشته باشند کانون تمرکز شما را از قبل بدانند. تصویر عمومی می‌تواند برای نخبگان بسیار مهم باشد و بنابراین ممکن است علی‌رغم اطمینان خاطر دادن شما از بابت اینکه به آمادگی نیازی نیست، آن‌ها بخواهند برای مصاحبه آماده شوند. افراد به حاشیه رانده شده به ویژه آن‌هایی که منزوی شده‌اند اگر باور داشته باشند که گفتگو با شما زمانی برایشان ندارد ممکن است زمان بیشتری بخواهند نه کمتر.

مردم موقعیت‌هایشان را با خود به مصاحبه می‌آورند که می‌تواند پشت پرده ناگفته‌هایشان، محتوا و اجرای مصاحبه شکل دهد. چیزی که محقق با خود به مصاحبه می‌آورد هم اهمیت دارد. نژاد، طبقه، جنسیت و تجسم پژوهشگر ممکن است سؤالاتی در میان جوامع قومی، بومی و ناتوان مطرح سازد (رایس ۲۰۰۹، رولستون ۲۰۱۰، ال اسمیت ۱۹۹۹). همانطور که داستان کُسوف (۲۰۰۳) نشان می‌دهد، جایگاه او به عنوان یک محقق، اهمیت شباهت‌های او با مردمی که انتظار داشت با آن‌ها مصاحبه کند را از بین برده بود. در مورد کُسوف، نزاع‌های سیاسی در سومالی پاسخ‌گویان آینده نگر او را ساکت کرده بود. زمانی که تحقیقات اولیه در خدمت منافع قدرت باشد، احتمالاً جوامع در برابر شرکت در مطالعاتی که توسط خارجی‌ها هدایت می‌شوند، مقاومت خواهد کرد. کاترین رولستون (۲۰۱۰) خاطر نشان ساخت که پژوهشگران خودی، در جوامع بومی می‌توانند خود را درگیر در تنش‌های میان استانداردهای تحقیقاتی و جامعه خود بیابند. تصویر جامعه در میان این کشمکش‌ها به طور

^{۱۹}-often in taken-forgranted ways

برجسته خودنمایی می‌کند. مکالمه کُسوف (۲۰۰۳) در کافی شاپ با یک مهاجر سومالیایی این نکته را نشان می‌دهد. وقتی این مرد از تحقیق کُسوف مطلع شد به او تعلیم داد تا جامعه سومالی را با اصطلاحات درخشان^{۲۰} به تصویر بکشد و ویژگی‌های منحصر به فردی را ارائه دهد که او معتقد است کُسوف می‌باید پرسش‌هایش را ناظر بر آن‌ها طرح کند. کُسوف تلاش کرد تا او را برای مصاحبه به کار گیرد و سؤالات مصاحبه را به او نشان دهد. کُسوف می‌نویسد:

پس از این که او سؤالات را خواند یا تظاهر به خواندن آن‌ها کرد به من گفت برخی از آن‌ها را تغییر دهم؛ چرا که [به باور او] آن پرسش‌ها بسیار حساس بودند و ممکن بود تصویر بدی از مردم سومالی به وجود آورند. هرچند من دیدگاه او را درک می‌کردم، با این حال تلاش کردم به او توضیح دهم هدف از بیان سؤالات، دستیابی به چه بود و من هیچ علاقه خاصی به ترسیم یک تصویر بد از جامعه [سومالیایی] ندارم. در آن جا او از مصاحبه با من امتناع کرد (ص ۵۹۵).

ممکن است در یک مصاحبه طبق تفاوت‌های نسبی در قدرت و مقام عمل شود. زمانی که پژوهشگران دانشگاهی با افراد به حاشیه رانده شده مصاحبه می‌کنند، می‌توانند آن تفاوت‌ها را افزایش دهند. ممکن است با کاهش ویژگی‌های مشخصه مقام مصاحبه‌گر و مشارکت‌کننده، این تفاوت‌ها کاهش یابند. تفاوت در زبان و جهان‌بینی‌ها نیز ممکن است کمتر شود. قطعاً مصاحبه‌گران سؤالات را صورت‌بندی و مطرح می‌کنند؛ فلذا تعاملات متعاقب آن را به نوبه خود ایجاد می‌نمایند. در صورتی که مصاحبه‌گران، به جای محقق دورکار، نقش یادگیرندگان علاقمند را ایفا نمایند، فضایی را برای مشارکت‌کنندگانی ایجاد می‌کنند که در زندگی خود کارشناس و متخصص باشند.

ممکن است افراد قدرتمند قبول مسئولیت کنند، سؤالات مصاحبه را برگردانند تا موضوعات را با اصطلاحات خود مورد خطاب قرار دهند و زمان بندی، سرعت و طول مصاحبه را کنترل کنند. تفاوت در جنسیت، سن، مقام و تجربه ممکن است به تفاوت‌های قدرت تعاملی منجر گردد. به طور مثال یک خانم پژوهشگر ۳۵ ساله با یک مرد سخنور ۶۷ ساله، که یک بار نیز به عنوان بازیگر حرفه‌ای ایفای نقش نموده بود، مصاحبه کرد. نوشته و فایل صوتی ضبط شده مصاحبه نشان داد که او کنترل مکالمه را به دست گرفت^{۲۱}. چه قصد این کار را داشته و چه قصد نداشته، او نقش یک یادگیرنده علاقمند تازه کار را ایفا کرده است. در یک جا سؤالی غیر ماهرانه می‌پرسد.

^{۲۰}-glowing

^{۲۱}-took over

او در اطلاع دادن به آن خانم در این رابطه که «آن سؤال گنگی بود» تردید می‌کند و به او می‌گوید چه چیزی باید می‌پرسید.

گاهی افراد قدرتمند، افراد ناتوان مصاحبه‌گر را اذیت کرده و در وابستگی سازمانی آن‌ها، هدف بیان شده پژوهش و نحوه استفاده محققان از یافته‌های آنان، اختلال ایجاد می‌کنند (کسوف، ۲۰۰۳). افراد متخصص و نخبگان در طول مصاحبه بیشتر از سخنوری‌های روابط عمومی استفاده می‌کنند تا دیدگاه‌های شخصی. از همین رو آن‌ها کمتر گزارش کاملی از تجربه خود ارائه می‌دهند. مشتریان ممکن است سکوت پیشه کنند یا سؤالاتی مبنی بر سنجش وفاداری مصاحبه‌گر مطرح کنند تا بدانند که آیا او نماینده مقامات یا طرفداران است یا خیر. ویلیام هاروی (۲۰۱۱) با مدیر اجرایی یک شرکت دارویی مصاحبه کرد که آشفته شد و او را به پرسیدن سؤالات مبهم و بی ربط متهم کرد. این مواجهه اعتماد به نفس هاروی را پایین آورد^{۲۲} و بر چند مصاحبه بعدی اثر گذاشت؛ اما در حقیقت و از این رویداد درس‌های مثبتی گرفت:

اول این که فرد پاسخ دهنده موافقت کرد که مجدداً با او تماس گرفته شود. در ثانی او جزئیات مربوط به سایر اعضای نخبه‌ای را که من می‌توانستم با آن‌ها تماس بگیرم فراهم کرد. در صورتی که او تصور می‌کرد وقت آن‌ها را تلف خواهم کرد این کار را انجام نمی‌داد. هم‌چنین نقل شده که شرکت اخیراً تعداد زیادی افزونه ایجاد کرده که خارج از کنترل من بود. به هر حال من می‌بایست از قبل تحقیق خودم را بر روی روی شرکت به طور کامل انجام می‌دادم؛ طوری که می‌توانستم مجدداً مصاحبه را ترتیب دهم یا دست کم ایده بهتری از زمینه و محیط مصاحبه‌شونده داشته باشم. هم‌چنین لازم بود به انتقادهای بهتر پاسخ می‌دادم و برای این که چرا تمامی سؤالات مصاحبه من مهم و مرتبط بودند دلیل خوبی می‌داشتم. (ص ۴۳۷)

ادبیات تحقیق با اصطلاح «نخبگان» به گونه‌ای برخورد کرده که گویی معانی استاتیک تک بعدی را در بر دارد. لازم است مصاحبه‌گران تشخیص دهند که مقام یک نخبه را داشتن، بیانگر ویژگی‌های بافتی، موضعی، موقعیتی، زمانی خاص است (هاروی ۲۰۱۱، اسمیت ۲۰۰۶) که قابلیت تغییر دارند. همگی این‌ها می‌تواند بر چگونگی کنترل مصاحبه توسط یک سیاست‌مدار، مأمور سازمانی یا شخصیت رسانه‌ای مؤثر باشد. وقتی مصاحبه‌گر زمینه‌ای مشترک ایجاد نموده و اعتمادسازی کرده است، این امکان وجود دارد که نخبگان به میزان قابل توجهی صریح و ک باشند و اساساً نسبت به آن چه طرفین انتظار دارند، زمان و جزئیات بیشتری در اختیار مصاحبه‌گر قرار دهند. یکی از دانشجویان من با یکی از مسئولان مؤسسه‌ای تحقیقاتی، که پژوهشی بحث برانگیز بر روی حیوانات انجام داده بود، مصاحبه‌ای به عمل آورد. با به طول انجامیدن مصاحبه به مدت ۳ ساعت، تعهد زمانی

^{۲۲}-dampened

مقام مسئول به آن که مصاحبه نباید بیش از ۴۵ دقیقه طول بکشد، حل شد. برخی از مصاحبه‌گران گزارش می‌دهند که نخبگان لحن خشنی با آنان دارند. کاترین اسمت (۲۰۰۶) می‌نویسد:

به ندرت احساس کردم که فضای مصاحبه به طور مداوم روابط نامتقارن قدرت را در برداشت که به نفع مصاحبه‌شوندگان بود. در حقیقت من به طور مداوم از سطح خوداندیشی^{۲۳}، عدم قطعیت و عصبیت ملموس در برخی از مصاحبه‌شوندگان ارشد (اصطلاح مربوط به جایگاه آنان در سلسله مراتب حرفه ای) و تمایل آنان به در میان گذاشتن اندیشه‌هایشان با من شگفت زده بوده ام (ص ۶۴۶).

علاوه بر پویایی‌های قدرت و مقام حرفه ای، جنسیت، نژاد، و سن می‌توانند بر جهت و محتوای مصاحبه تأثیر بگذارند. موقعیت‌های اجتماعی مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده حائز اهمیت است. چگونگی اهمیت آن‌ها به موضوع، تجربه مشارکت‌کنندگان در تحقیق در رابطه با این موضوع، تمایل نسبی آنان به مصاحبه شدن و پیش فرض‌های آن‌ها در رابطه با مصاحبه و برداشت و تصویر ذهنی از مصاحبه‌گر بستگی دارد.

مایکل شاولبی و مایکل والکومیر (۲۰۰۲) عنوان می‌کنند که مردان ممکن است مصاحبه متمرکز را تهدید کننده تلقی کنند؛ چرا که در یک رابطه یک به یک رخ می‌دهد، کنترل تعامل را مبهم می‌سازند، خود افشاسازی را تقویت می‌کنند و بنابراین ریسک از دست رفتن شخصیت عمومی را در پی دارند. میتز آلوسان (۲۰۱۱) اظهارات مایکل شاولبی و مایکل والکومیر در خصوص تهدید مردانگی مردان را به عنوان امری که تا حدی کلیشه‌ای است رد می‌کند (ص ۸۷). آیا چنین است؟ سایر محققانی که به پویایی‌های جنسیتی توجه دارند مشاهدات شاولبی و والکومیر را منعکس ساخته، اصلاح کرده و گسترش می‌دهند (آندل ۱۹۹۷، کانوی ۲۰۰۸، گایلی و پروهاسکا ۲۰۱۱، میلر و گلاسز ۲۰۱۱، سایلی و هریس ۲۰۱۱، شارپ و کرمر ۲۰۰۶).

به نظر می‌رسد شرایط متعددی بر روابط جنسیتی در مصاحبه کیفی تأثیر گذار باشد. اولاً ماهیت موضوع اهمیت دارد. در صورتی که لازم باشد موضوع مصاحبه مفروضات یا ادعاهای مربوط به هویت جنسی ارزشمند را تضعیف کند، ممکن است جنسیت محقق و مشارکت‌کننده در پژوهش برجسته گردد. دنیل کانوی (۲۰۰۸) چنین استدلال می‌کند که مردانگی هنجار و نرم است و بنابراین تنها زمانی تشخیص داده می‌شود که دچار اختلال گردد. او در حالی که با مردانی مصاحبه می‌کرد که از خدمت در ارتش آپارتاید سر باز زده بودند، وقتی با فرد مسنی مصاحبه می‌کرد که اظهارات تحقیر آمیزی^{۲۴} در رابطه با زنان بیان می‌کرد، از ناراحتی خودش در رابطه با مردانگی مطلع گشت. کانوی می‌نویسد:

^{۲۳}-self-reflection

^{۲۴}- disparaging

به عنوان فردی که با بخش اعظم تفکر فمینیسم موافق است، من تجربه او را به اشتراک نمی‌گذارم یا در حقیقت با نتیجه گیری‌های او موافق نیستم. به هر حال، به عنوان یک مرد، او به وضوح چنین فرض می‌کند که من با او موافقم و به نظر می‌رسید که از این امر آگاهی ندارد که ممکن است من با او موافق نباشم. او با الفاظ توهین‌آمیز درباره دولت کنگره ملی آفریقای جنوبی سخن می‌گفت و به «قانون سیاه» اشاره می‌کرد (با این فرض که من به صورت آشکارا دیدگاه او را به عنوان یک همکار سفید پوست به اشتراک می‌گذارم)، که از باورها و اعتقادات من نیز فاصله داشت. شگردهای اتصال دهنده او معانی عمیق‌تری در برداشتند و من به آن‌ها توجه کردم زیرا آن‌ها را به اشتراک نگذاشتم (ص ۳۵۰).

احتمالاً اثرات جنسیت در ترکیب با نژاد، سن و آموزش و به خصوص زمانی که موضوع مصاحبه به تنهایی بتواند مشارکت‌کننده را بی اعتبار سازد، افزایش می‌یابد. موضوعاتی که شامل مسائل جنسی و مردانگی هستند نشان می‌دهند که چگونه جنسیت می‌تواند در طول مصاحبه وارد عمل شود؛ مانند بررسی مردانی که تجربه تجاوز گروهی داشته‌اند و سایر اعمالی که باعث تنزل و تحقیر زنان می‌گردند. جودی میلر و باری گلاسنر (۲۰۱۱) به این نکته پی بردند که حکایت‌های پسران زمانی که با یک مصاحبه‌گر مونث یا مذکر در مورد «قطار در حال حرکت» سخن می‌گفتند تناقض دارد (رویداد مربوط به عمل جنسی دخول دو یا چند مرد با یک زن، ص ۱۴۲). زمانی که مصاحبه‌گر یک مرد جوان سفید پوست بود، پسران بر رضایت دختران اصرار داشتند و بر عملکرد جنسی خود متمرکز بودند. زمانی که توپا، یک زن آمریکای آفریقایی تبار جوان از جامعه خودشان با آن‌ها مصاحبه می‌کرد، آن‌ها حکایت خود را تغییر دادند. سؤالات مربوط به موقعیت و رضایت دختر را دنبال کرد. میلر و گلاسنر مشاهده کردند که مهارت‌های مصاحبه‌گری حساس توپا و پشتکار او سبب تضعیف ادعای پسران مبنی بر این شد که اقدام جنسی آنان با رضایت طرفین^{۲۵} بود است.

به همین نحو جانین گایلی و آریان پروهاسکا (۲۰۱۱) - دو زن جوان - چنین استدلال کردند که جنسیت مصاحبه‌های آنان را شکل داد. آن‌ها با مردانی در مقطع کارشناسی مصاحبه کردند که با چاقترین زن در پارتی رابطه جنسی برقرار می‌کردند. به این نحو که مردان به دنبال زنانی می‌گشتند که برای ورزش و یا رابطه جنسی چاق و غیر جذاب بودند و در صحنه رقص مورد تمسخر واقع می‌شدند یا مورد تجاوز گروهی قرار می‌گرفتند. گایلی و پروهاسکا عنوان می‌کنند که:

^{۲۵}-consensual

به طور کلی مردانی که با آن‌ها مصاحبه کردیم هیچ مشکلی با بیان عبارات تحقیر آمیز در خصوص زنان به ما نداشتند و به زنان تحت عنوان «اسباب بازی‌های جنسی»، چاق یا احمق اشاره می‌کردند. در برخی از موارد آن‌ها با ایجاد وقفه یا هدایت جریان مصاحبه، از قدرت خود به عنوان یک مرد برای کنترل مصاحبه استفاده می‌کردند. شاید علت بروز این مسئله به این دلیل باشد که مردان در صحبت کردن از اعمال جنسی با زنانی که از نظر سنی نزدیک بودند احساس راحتی نمی‌کردند و بنابراین، حس می‌کردند با اعمال کنترل روی مصاحبه می‌توانند تنش و اضطراب خود را کاهش دهند. عملکردهای جنسیتی مختص مردان نبود. ما نیز در طول مصاحبه با اجازه دادن به آن‌ها برای قبول مسئولیت، ایجاد وقفه و خندیدن یا ساکت ماندن در زمانی که اظهارات زن ستیزانه یا تحقیرآمیز عنوان می‌کردند، عملکرد جنسیتی داشتیم. (ص

۳۷۷)

به صراحت گایلی و پروهاسکا در تأیید نحوه ورود اعمال جنسیتی آنان به مصاحبه توجه کنید. انجام مصاحبه‌های متمرکز علاقمند بودن به شخص دیگر، پشتیبان و حامی بودن و پذیرش تمامی رفتارهایی که به طور معمول با نقش جنسیتی زنان در ارتباطند را تقویت می‌کند. مصاحبه‌هایی که بر مفروضات بدیهی در رابطه با تمایلات و ترجیحات جنسی متمرکز هستند می‌توانند تعاملات زمانی را استخراج کند. تفکر جیمز ژوزف دین (۲۰۱۳) در رابطه با مصاحبه با دگر جنس‌گرایان، نحوه پدید آمدن تنش‌ها و اضطراب را آشکار می‌سازد (جعبه ۳).

تفکر جیمز ژوزف دین باب مصاحبه با مردان و زنان دگر جنس‌گرا

به خطر انداختن امتیاز دگر جنس‌گرایی: پرسیدن از دگر جنس‌گرایان در مورد دگر جنس‌گرایی

مصاحبه با زنان و مردان سیاه پوست و سفید پوست دگر جنس‌گرا، در رابطه با شیوه‌های ضدهم‌جنس‌گرایی و تعاملات آنان با مردان و زنان همجنس‌گرا اغلب مرا مضطرب می‌ساخت. من خود را برای پاسخ‌های آنان آماده کردم؛ به ویژه در لحظات پایانی مصاحبه هنگامی که از آنها مستقیماً در مورد همجنس‌گراستیزی و طرز فکرشان در خصوص ازدواج افراد هم‌جنس سؤال کردم. هر چند پروتکل مصاحبه من این بود که تا پایان مصاحبه همجنس‌گرا بودنم را افشا نکنم، فکر می‌کنم به دلیل رفتار بدنم، پاسخ‌دهندگان از ابتدا مرا هم‌جنس‌گرا فرض کرده بودند.

البته من تلاش می‌کردم آرام و ثابت‌خُلق باقی بمانم. سعی می‌کردم به صدایم زیر و بم بدهم و نگاهی نترس بر چهره داشته باشم. همه این‌ها به این امید بود که تا حد امکان صادقانه‌ترین و دقیق‌ترین پاسخ‌ها را دریافت کنم. با این حال، دفعات متعددی بی‌دقتی کردم. چندین زن و مرد رک و صریح که من تصور می‌کردم دیدگاه‌های تأیید کننده هم‌جنس‌گرایی دارند، چنین نبودند و بر عکس، افراد دیگری که فکر می‌کردم دیدگاه‌های طرفدار هم‌جنس‌گرایی ندارند، چنین بودند.

یک راه برای تغییر سؤالات راهنمای مصاحبه من آن بود که به جای پرسیدن مجموعه پرسش‌های سخت تری در این مورد که صادق بودن از نظر آنان به چه معناست، با مجموعه سؤالات ملایم تری در مورد حس افراد در رابطه با هویت نژادی و جنسیتی شروع کنم. من با تلاش برای ایجاد تفاهم این کار را انجام دادم. یکی از سؤالات ملایم‌تر این بود: «شما یک مرد برای خود بودن را چگونه تعریف می‌کنید؟». هر چند پاسخ‌دهندگان در تکاپو بودند تا سؤالات مربوط به هویت جنسیتی خود را پاسخ دهند، به نظر می‌رسید با پرس‌وجو در مورد جنسیت، راحت‌تر از پرس و جو در مورد مسائل جنسی برخورد می‌کردند. بنابراین همان ابتدا

فهمیدم که درخواست از دگرجنس‌گرایان برای تفکر در مورد معنای دگرجنس‌گرایی، خود آن‌ها را در حالت تداعی قرار می‌دهد. تاحدی به نظر می‌رسید که تنها با طرح این سؤال، من به موضع و جایگاه هنجاری هویت صادقانه آن‌ها حمله کردم و امتیاز غیرمشهودی را که در یک زمان و یک مکان بسط یافته بود، به چالش کشیدم. به طور مثال در این جا گزیده‌ای از مصاحبه من با رودنی اسمیت (اسم مستعار) آمده است. در این گزیده می‌توانیم حساسیت بلادرنگ او نسبت به درخواست تعریف هویت جنسی‌اش را ببینیم. آقای اسمیت، یک مرد آمریکایی-آفریقایی تبار است که در دهه ۳۰ زندگی خود قرار دارد و در سنت مذهبی جنوبی بپتیست محافظه کار پرورش یافته. او به عنوان یک معلم کار می‌کند:

جیمز: اجازه بده به طور کلی در مورد هویت جنسی از تو سؤال کنم، برخی از مردم خود را دوجنس‌گرا یا هم‌جنس‌گرا توصیف می‌کنند. تو هویت جنسی خودت را چگونه تعریف می‌کنی؟
راندی: من هاردکور هستم، ۱۱۰ درصد دگرجنس‌گرایم.

شدت واژه‌های توصیف کننده «هاردکور»، ۱۱۰ درصد، در تعریف راندی از هویت جنسی‌اش برجسته است و به بیزاری او از هم‌جنس‌گرایی و همجنس‌گراستیزی سرسختانه او اشاره دارد. مصاحبه با دگرجنس‌گرایانی همچون راندی، با آن باورهای محکم در رابطه با هم‌جنس‌گرا ستیزی کار ساده‌ای نبود؛ اما احساس می‌کردم با توجه به شرایطم به عنوان یک جامعه‌شناس جوان در حال ترقی، که تلاش می‌کرد یک رساله را به پایان برساند و یک منصب دانشگاهی را تضمین کند، مجبور بودم بهترین داده‌ها را که می‌توانستم جمع آوری کنم.

* تجدید چاپ از جیمز جوزف دین (۲۰۱۴)، افراد صادق و صریح: دگرجنس‌گرایی در فرهنگ پسا پنهان، با اجازه از انتشارات دانشگاه نیویورک

تفکر جوزف دین نکات متعددی را در خصوص مطالعات مبتنی بر مصاحبه نشان می‌دهد. اولاً از سیر تا پیاز روابط متداول میان مصاحبه‌گر - مشارکت‌کننده را نشان می‌دهد. عموماً پژوهشگران دگرجنس‌گرا، از مشارکت‌کنندگان هم‌جنس‌گرا در مورد امور جنسی آن‌ها سؤال می‌کنند و به طور ضمنی آن‌ها را به عنوان «متفاوت» علامت گذاری می‌کنند. در مقابل، دیدگاه دین - به عنوان یک مرد همجنس‌گرا - و سؤالات مربوط به امور جنسی، فرضیاتی را در خصوص دردسرساز بودن دگرجنس‌گرایی به وجود می‌آورد. ثانیاً مصاحبه‌گرانی که به دلیل مفروضات و اعمال بدیهی مشارکت‌کنندگان را به چالش می‌کشند، احتمالاً با مقاومت روبرو می‌شوند. ثالثاً پرسیدن سؤالاتی که دین آن‌ها را ملایم‌تر می‌خواند، نه تنها به ایجاد تفاهم کمک می‌کند، بلکه پیشروی به سمت طرح پرسش‌های سخت‌تر را تسهیل می‌نماید. رابعاً این که زبان بدن مشارکت‌کننده، تظاهرات چهره، تَن صدا و پاسخ بی‌درنگ، بر تأثیر واژه‌های او اثرگذار است و زمانی که نوبت تعامل و موضوعات حساس فرامی‌رسد، مهم تلقی می‌گردند. مشارکت‌کننده در تحقیق دین - راندی اسمیت - بیشتر با نحوه پاسخ خود به روشنی و تا حد ممکن یا بیشتر این موضوع را نشان داد؛ نه از طریق آن چه گفت.

پاسخ‌های جنسیتی مشارکت‌کنندگان نیز در مصاحبه‌هایی رخ می‌دهد که به صراحت به مردانگی، زنانگی یا امور جنسی نمی‌پردازند. زمانی که موضوعاتی همچون ناتوانی جنسی یا طلاق، ادعاهای مردانگی مردان را به چالش می‌کشند، ناراحتی بالقوه آنان افزایش می‌یابد. ممکن است زنان مایل نباشند در خصوص موضوعات

مرتبط با امور جنسی با مصاحبه‌گر مرد گفتگو کنند. تری آرندل (۱۹۹۷) که روی پدرانی که طلاق را تجربه کرده بودند مطالعه می‌کرد مشاهده نمود در طول مصاحبه‌های خاص، تغییر ثابتی در سؤال از تمرکز بر طلاق وجود دارد. زمانی که این پدران نگرانی و دغدغه اصلی خود با هویتشان به عنوان مرد را آشکار ساختند، اظهارات آن‌ها در مصاحبه یک فراگفتمان^{۲۶} در خصوص مردانگی را طی کرد. مردانی که عواطف و هیجانات خود را در پس دیوار قطوری از مدیریت احساسات پنهان می‌سازند، ممکن است با مصاحبه کردن موافق نباشند در مورد بقیه این امکان وجود دارد که به جای این که مستقیماً به پرسش‌ها بپردازند، از پاسخ به آن‌ها طفره برونند. همان‌طور که آرندل کشف کرد، برخی از مردان در طول مصاحبه روابط جنسیتی را نمایش داده و به شکل درام و نمایشنامه اجرا می‌کنند.

مصاحبه با زنان دشواری‌های دیگری را پیش رو می‌نهد. زمانی که مصاحبه‌گر مرد باشد، پویایی‌های جنسیتی می‌تواند وارد مصاحبه شود. زمانی که هم مصاحبه‌گر و هم مشارکت‌کننده در تحقیق زن هستند، تفاوت در طبقه، سن، تجسم ویا نژاد و قومیت هنوز ممکن است بر چگونگی پیشرفت مصاحبه تأثیر بگذارد. با این حال، زنانی با زمینه‌های گوناگون، اغلب برای موضوعات حساس متفاوتی داوطلب مصاحبه می‌شوند. زمانی که افراد دیگری از قبل آن‌ها را در مورد موضوع مصاحبه ساکت نگه می‌دارند یا خود موضوع شرم آنان را بر می‌انگیزد، کیفیت پاسخ‌های زنان ممکن است به میزان زیادی متفاوت باشد (اوونز، ۲۰۰۶). از این رو جواب‌های مشارکت‌کنندگان به مصاحبه ممکن است از روشن‌گر، تصفیه‌کننده، یا الهام بخش گرفته تا ناراحت‌کننده، دردناک یا خسته‌کننده متغیر باشد. موضوع، معنای آن، شرایط زندگی مشارکت‌کننده و مهارت‌های مصاحبه‌گر، بر نحوه تجربه زنان از مصاحبه‌های مربوطه اثرگذار است (به رینه‌رز و چیس ۲۰۰۱ نیز مراجعه کنید).

همان‌طور که در بالا به طور ضمنی اشاره شد، تفاوت‌های میان مصاحبه‌کننده و پاسخ‌دهنده از لحاظ نژاد، طبقه، جنسیت، سن و ایدئولوژی، ممکن است بر آن چه در طول مصاحبه رخ می‌دهد تأثیر بگذارد. چنین تفاوت‌هایی می‌تواند به شیوه‌های مبهم و دردسرافرین در طول مصاحبه منتهی گردد، به ویژه زمانی که به تلاقی^{۲۷} موضوع مصاحبه، بافت و تعامل بلاواسطه توجه کنیم. الکس بروم، کلی هند و فیلیپ توی (۲۰۰۹، ص ۵۲) مدعی هستند که پژوهشگران به اندازه کافی به بررسی روابط متقابل میان گستره‌ای از روابط جنسیتی و زیست محیطی، بیوگرافیکی و اثرات روانشناختی اجتماعی، در شکل دادن به تعامل میان مصاحبه‌گر و مشارکت‌کننده در تولید داده نپرداخته‌اند. در یک مثال یک زن میانسال ۴۸ ساله مبتلا به سرطان متاستاتیک سینه با مؤلف A که مصاحبه‌گر مذکر جوانی بود در مورد جذاب بودن و داشتن رابطه جنسی گفتگو کرد؛ اما

^{۲۶}-meta-discourse

^{۲۷}-confluence

اکنون خود را به عنوان فردی که احساس یک آدم دمدمی مزاج را دارد توصیف نمود (ص ۵۷). بروم و همکاران به مشکلات متعددی که در این مصاحبه رخ داد اشاره کردند:

اولاً، محیط بالینی محیطی مختل کننده و توأم با سر و صدای بلند بود. او تازه شیمی درمانی شده و در اثر سموم، دچار گرگرفتگی^{۲۸} شده بود. علاوه بر این، با مرد جوانی در مورد جذاب بودن و امور جنسی صحبت می کرد. او به وضوح نگران این بود که این امر مناسب است یا خیر و آیا سایر افراد در بخش این امر را مناسب تلقی می کنند یا نه. اگر این موضوع را با بحث دردناک مرگ و میر ترکیب کنید، می بینید که موقعیت بسیار دشواری برای مصاحبه گر و مصاحبه شونده به وجود می آید. مؤلف A می خواست این حس آن زن را تقویت کند که کلاه گیزی که دارد به او می آید اما احساس کرد این موضوع از مرز میان مصاحبه گر / مصاحبه شونده تجاوز کرده و مناسب نیست.

بافت مصاحبه و اعتبار محقق بر مرزهای نژادی در طول مصاحبه اثر می گذارد. جان کارتر (۲۰۰۴) مشکلاتی را، نه تنها در رابطه با مصاحبه با زنان، بلکه در رابطه با مصاحبه مرزهای نژادی و تقسیمات قومیتی پیش بینی می کند. او با قول دادن به مدیریت برای نوشتن یک گزارش در رابطه با یافته هایش، به پرستاران اقلیت های قومی دسترسی یافت. کارتر دریافت که دیدگاه های بعدی مشارکت کنندگان در رابطه با او به عنوان جاسوس مدیریت، مشکلات بیشتری نسبت به مذکر و سفید پوست بودن ایجاد کرده بود. کارتر می نویسد که موقعیت او بعداً تغییر نمود، چرا که:

مداخله یک دربان، به من در میان کارکنان اقلیت های قومی اعتباری بخشید که پیش از این نداشتم. این مداخله، اثری هاله ای به من عطا کرد. قطعاً دیگر کسی مرا جاسوس مدیریت نمی دانست. اما هم چنان بسیاری از پرستاران اقلیت های قومی که با آنها مصاحبه می شد هنوز اضطراب آشکاری نسبت به انجام مصاحبه نشان می دادند (ص ۳۵۰).

تاریخچه سازمانی، شیوه های تبعیض آمیز^{۲۹} عدم اعتماد پرستاران به مدیریت، بافت و محیطی را شکل می داد که کارتر مصاحبه های محل کار را در آن انجام می داد. ترس پرستاران از پیامدهایی که به طور بالقوه قابل تشخیص بودند، پاسخ های آنها را شکل می داد. زمانی که کارتر بعداً با پرستاران کارائیبی آفریقایی تبار بازنشسته مصاحبه کرد، متوجه آن شد که ترکیب احساس آزاد بودن آنها برای حرف زدن و انجام مصاحبه در خانه، بافت متضادی برای مصاحبه های او به وجود می آورد.

^{۲۸}-hot flushes

^{۲۹}-discriminatory practices

توجه کنید که شما چگونه می‌توانید به بهترین نحو مشکلات مربوط به دسترسی و پذیرش را حل کنید. به خاطر بسپارید که برخی پروژه‌ها به کنترل شدن نیاز دارند و لازم است توسط اعضای گروه‌های مطالعه شده هدایت شوند. استفاده از قوم‌نگاری و مصاحبه برای سایر پروژه‌های گرونددتئوری می‌تواند موانع را کاسته و مشکلات مربوط به دسترسی و پذیرش را حل کند. شما می‌توانید به عنوان یک مشارکت‌کننده درگیر، مشاهدات خود را آغاز کنید و سپس به موازات پیشرفت تحلیل‌های خود، به کمک سؤالات و پرس و جوهای متمرکزتر، با اعضا مصاحبه کنید.

مشکلات، چشم‌انداز و نقاط قوت مصاحبه

قوم‌نگاران، تحلیلگران گفتمان و تحلیلگران مکالمه (آلوسان ۲۰۱۰، آتکینسون و سیلورمن ۱۹۹۷، پاتر و هپرن ۲۰۱۲، راپلی ۲۰۰۱، رولستون ۲۰۱۰، سیلورمن ۲۰۰۷) و روش‌شناسانی که به قدرت، نژاد، جنسیت، استعمار، و/یا طبقه در تحقیقات اجتماعی می‌پردازند (بریگز ۲۰۰۱، ۲۰۰۷، دی اسمیت ۱۹۹۹، ۱۹۸۷، ال اسمیت ۲۰۰۵، ۱۹۹۹، استنفیلد ۲۰۱۱) به تندی از مصاحبه انتقاد کرده‌اند. بسیاری از این انتقادات تذکرات مناسبی در رابطه با محدودیت‌های مصاحبه ارائه می‌دهند. تعداد کمی از آن‌ها به شناسایی نقاط قوت مصاحبه نیز می‌پردازند.

انتقادهای متعددی اهداف و مفروضات زیربنایی مصاحبه‌های تحقیقاتی را مورد حمله قرار داده‌اند. مقاله پیشگامانه پاول آتکینسون و دیوید سیلورمن (۱۹۹۷) مجموعه‌ای از این انتقادات را بیان می‌کند. تعدادی از این انتقادات و کسانی که آن‌ها را دنبال می‌کنند به مفهوم «دقت» اشاره دارند. مصاحبه‌ها از روایت‌های گذشته نگر^{۳۰} تشکیل شده‌اند. ممکن است آن‌چه مردم می‌گویند همانی نباشد که انجام می‌دهند، انجام داده‌اند و یا در آینده انجام خواهند داد. مصاحبه‌ها عملکردهایی هستند مشارکت‌کنندگان با اهدافی خاص انجام می‌دهند.

بنابراین منتقدان به محققان هشدار می‌دهند که فرض را بر این قرار ندهند که مصاحبه‌ها پیوندی مستقیم با تجربه‌های واقعی داشته و خودِ خصوصی مشارکت‌کنندگان را بی‌درنگ افشا می‌کنند. در عوض مصاحبه‌ها در شرایط تحقیقاتی و موقعیت‌های تعاملی خاص و بافت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخی بزرگتر روی می‌دهند. منتقدان متعددی ادعا کرده‌اند که مصاحبه‌ها در فرهنگی رخ می‌دهند که سیلورمن (۱۹۹۳، ۱۹۹۷) آن را «جامعه مصاحبه» نامید (به هولستین و گابریوم ۲۰۰۱ رجوع کنید). مفهوم یک جامعه مصاحبه‌ای به صورت جالبی به «حقیقتی» عنوان نشده و بدیهی تبدیل شده است که روش‌شناسان متعددی آن را پذیرفته‌اند. با این حال ممکن است افراد زیادی را کنار گذاشته و به طبقات اجتماعی و فرهنگ‌های خاصی محدود باشد.

^{۳۰}-retrospective narratives

به هر حال، انتقادات مذکور در خصوص تجربه واقعی و سوژکتیویته خصوصی به قوت خود باقی است. چه مشارکت‌کنندگان نگرانی‌ها و دغدغه‌های خود را یک یک و بی وقفه بر شمارند، چه این که محققان به اطلاعات خاصی نیاز داشته باشند، [نهایتاً] نتیجه بر ساخت یا بازسازی یک واقعیت است. مصاحبه‌گران از طریق ساخت عملکردهای مربوطه و مصاحبه با مشارکت‌کنندگان در تحقیق خود را به یک دیگر ارائه می‌دهند. با این حال عملکردهای مصاحبه‌گر و مشارکت‌کننده، ادعاهای هویتی را بر ساخته و بیان می‌کند. مشاهدات کانوی (۲۰۰۸)، میلر و گلاسز (۲۰۱۱) و رایس (۲۰۰۹) - که در بالا ذکر شد - انجام چنین عملکردهایی را نشان می‌دهد. داستان‌های [برآمده از] مصاحبه، واقعیت‌های پیشین را باز تولید نمی‌کنند (آلوسان، ۲۰۱۱، آتکینسون و سیلورمن ۱۹۹۷، مورفی و دینگوال ۲۰۰۳، سیورمن ۲۰۰۱). در عوض این داستان‌ها اظهاراتی را از دیدگاه‌های خاص فراهم می‌آورند که اهداف خاصی را برآورده می‌سازند. این اهداف عبارتند از مفروضاتی مبنی بر این که فرد می‌بایست به طور ضمنی قوانین مکالمه‌ای خاصی را در طول مصاحبه دنبال کرده و سایر قواعد را نادیده بگیرد.

آتکینسون و سیلورمن به انکار تأیید غیرانتقادی و نظریه‌پردازی‌نشده روایت‌های شخصی فرا می‌خوانند (ص ۳۲۲). خواه هدف از این روایت‌ها آشکارسازی دنیای درونی فرد باشد، خواه پرده برداشتن از دستکاری‌های راهبردی، خود فریب دهنده و مفروضات و اعمال ایدئولوژیک دخیل در انجام مصاحبه تحقیقاتی. منتقدان دیگر (آلوسان، ۲۰۱۱، گوریوم و هولستین ۲۰۰۱، رولستون ۲۰۱۰) مصاحبه‌های تحقیقاتی را با اصطلاحاتی همچون احساسات‌گرایی^{۳۱}، رومان‌تیسیم، نئو پوزیتیویسم، نئو پوزیتیویسم اصلاح شده برچسب می‌زنند؛ انگار [مصاحبه‌ها] موجودیت‌های مجزایی را بازنمایی می‌کنند (اما به رولستون ۲۰۱۰ هم رجوع کنید). به نظر می‌رسد این تیپولوژی‌ها، به جای نشأت گرفتن از تحلیل سیستماتیک مصاحبه‌های مختلف، از مفاهیم مؤلفین آن‌ها سرچشمه می‌گیرند. مصاحبه شما با توجه به موضوعتان ممکن است جنبه‌هایی از جوانب تمام برچسب‌ها را شامل شود؛ همان‌طور که مصاحبه من هم گاهی چنین است. تمامی مشارکت‌کنندگان در تحقیق، داستان خود را با بی‌طرفی بیان نمی‌کنند. تمامی مصاحبه‌گران اهمیت سکوت‌ها را درک نمی‌کنند. بلکه برخی از مصاحبه‌گران و مصاحبه‌ها به ورطه رومان‌تیسیم می‌افتند و انگ پوزیتیویست منطقی به برخی از مصاحبه‌کننده‌ها می‌چسبند؛ اما پژوهشگرانی که مصاحبه متمرکز انجام می‌دهند به ندرت از هر مشارکت‌کننده سؤال مشابه را به شیوه‌ای یکسان می‌پرسند.

آیا این برچسب‌ها و استعاره‌های همراه آن، به معنای آن هستند که محققان باید از انجام مصاحبه متمرکز چشم‌پوشی کنند؟ خیر. مصاحبه‌ها متداول‌ترین شکل گردآوری داده در پژوهش‌های کیفی، از جمله مطالعات

^{۳۱}-emotionalism

مبتنی بر روش گروندتئوری، هستند. مضاف بر این، مصاحبه‌ها اثربخش‌ترین راه اکتساب داده برای سؤالات تحقیقاتی خاص می‌باشند. پرسش‌های تحقیق می‌باید روش جمع‌آوری داده را کنترل کند.

برخی انتقادات دچار فقدان کاربرد تحلیل مکالمه‌ای یا قوم‌نگاری در زمینه‌های طبیعی هستند. حتی زمانی که پژوهشگران یکی از این رویکردها را ترجیح دهند، ممکن است تأیید سازمانی را در پی نداشته باشد. چند سال پیش، من رییس جلسه‌ای بودم که در آن قوم‌نگاران راهکارهای تحقیقاتی خود را برای پروژه‌هایی مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند که بسیاری از آن‌ها مورد تحسین واقع شدند. اما جالب اینجاست که هر یک از ۵ عضو هیئت مشاوره گفتند که مؤسسات آن‌ها مطالعات آن‌ها را تأیید نمی‌کند.

یک انتقاد متداول از مصاحبه‌ها آن است که آلوده به سوپژکتیویته مشارکت‌کننده بوده و بنابراین مشکوک هستند. فیلیپ تی یانوس و کیم هوپر (۲۰۰۸) صحت و اعتبار را معیار اساسی مصاحبه اثربخش تلقی کرده و چنین استدلال می‌کنند که پژوهشگران می‌توانند با مشارکت‌کنندگان در تحقیق تبانی کنند که نتیجه آن مصاحبه‌های بی‌ثمر خواهد بود. آن‌ها عنوان می‌کنند که:

پاسخ‌دهندگان به طور مؤثر از مشوق‌ها، فرصت مصاحبه و دست‌ورالعمل مصاحبه اجتناب می‌کنند، که همگی به طور رسمی برای ایمن ساختن بخشی از حقیقت عجیب و غریب برای منحصر به فرد بودن این پاسخ‌دهنده طراحی شده‌اند. در عوض به دنبال بخشی از کنوانسیون اعلام نشده، پاسخ‌دهنده و مصاحبه‌گر هر دو به طور پیش فرض حالت خود عرضگی^{۳۲} مربوط به محصور شدن پیشگیرانه را به خود می‌گیرند. حالتی که موضوعات ناراحت‌کننده را به کنار می‌راند و به ناهماهنگی‌ها به دیده حقارت می‌نگرد^{۳۳}. به کنار راندن موضوعات ناراحت‌کننده به شیوه‌ای انجام می‌پذیرد که به صورت فریب آمیزی برای بسیاری از مصاحبه‌گران خوشایند است (و بنابراین به آن توجه نکرده و به آن نمی‌پردازند) - زیرا زبان استفاده شده مفاهیم علوم اجتماعی و اصطلاح‌شناسی آن را منعکس می‌سازد و گزارش به نحو متقاعدکننده‌ای عرضه شده است و یا به این دلیل که با نظریه‌هایی که مصاحبه‌گر با آن آشناست به خوبی تناسب دارد.

همان طور که یانوس و هوپر مطرح کردند نظریه‌های مبتنی بر گروندتئوری لزوماً با چنین مصاحبه‌هایی به عنوان مصاحبه‌های بی‌ثمر برخورد نمی‌کنند اما سؤال می‌کنند که در مصاحبه چه اتفاقی روی می‌دهد؟ چنین مصاحبه‌هایی می‌توانند رهنمودهای مهمی در رابطه با سکوت‌ها، موضوعات ممنوعه و آسیب‌پذیری‌های

^{۳۲}-self-presentation

^{۳۳}-rides roughshod over

مصاحبه‌گر و مشارکت‌کننده در تحقیق ارائه دهند. به هر حال یانسون و هوپر با اشاره به پویایی‌های تعاملی که محقق را وارد تبانی می‌کند، سهم مهمی دارند. دانشمندان اجتماعی گاهی واقعاً از یاد می‌برند که مشارکت‌کنندگان ممکن است در سکوت، مکالمه هدایت شده را پایش کنند و آن را مجدداً هدایت نمایند تا با اهداف آن‌ها متناسب گردد. همانطور که جورج هربرت مید (۱۹۳۲) خاطر نشان ساخت، گزارش‌های مشارکت‌کنندگان در مصاحبه رفتار آن‌ها را توضیح داده و توجیه کرده و رویدادهای گذشته را از دیدگاه حال گزارش می‌کند. با این حال مصاحبه‌ها می‌توانند به مشارکت‌کنندگان در تحقیق فضا - یعنی زمان و ارتباط انسانی - دهند تا از نو به رویدادها بیان‌دهند و معانی و فعالیت‌ها را شفاف سازند. ضمن این که آن‌ها داده‌هایی غنی برای پژوهش فراهم می‌کنند (شارماز و بلگریو ۲۰۱۲).

هر چند برخی از محققان از سوپرکتیویته و احساسات‌گرایی در مصاحبه‌ها شکایت کنند^{۳۴} اما موضوعات مصاحبه‌های متمرکز اغلب سوپرکتیویته‌ها را استخراج نموده که هیجان‌ات و احساسات را نیز در بر خواهد داشت. میکزو (۲۰۰۳ ص ۴۸۰) به ما یاد آوری می‌کند که هیجان‌ات و احساسات منفی و خودپنداره‌های منفی جریان تعاملی را مختل می‌سازند. او چنین عنوان می‌کند که بسیاری از مردم در فرهنگ آمریکای شمالی نمی‌توانند فوران احساسات و هیجان‌ات را کنترل کنند. ریسک از دست رفتن آبرو و انتظارات اجتماعی اولیه برای ارائه یک نگرش مثبت می‌تواند زمینه را برای مشارکت‌کنندگان در مصاحبه فراهم سازد تا از گفتگو در مورد خودپنداره منفی یا انتظاراتی که احساسات مشکل‌آفرین را به یاد آورده یا مجدداً تولید می‌کنند اجتناب نموده یا آن‌ها را به حداقل برسانند. در نتیجه همان‌طور که میکزو اشاره می‌کند، مشارکت‌کنندگان در تحقیق تجارب و رویدادهای منفی را در طول مصاحبه بی‌اهمیت جلوه می‌دهند.

برای درک بیشتر نکته‌ای که میکزو به آن اشاره کرد، مصاحبه‌گران می‌توانند خود را نسبت به داستان‌هایی که مشارکت‌کنندگان آرزو دارند بگویند، اما باور ندارند که مصاحبه‌گر نسبت به آن احساسی داشته باشد، پذیرا نشان دهند. این مشارکت‌کنندگان ممکن است تصور کنند که افشاگری آن‌ها سبب تنش و اضطراب مصاحبه‌گران خواهد شد و پیش‌بینی کنند که این تنش می‌تواند در داستان غم‌انگیز آنان اخلاص ایجاد کند (داستان‌هایی که گاهی برای مصرف عمومی به خوبی تمرین و از بر شده‌اند). در این صورت، بعید است که با هیجان‌ات و احساسات خود، که تصور می‌کنند فوران خواهند کرد، با خطر رویارو گردند. بنابراین پاسخ خیالی مشارکت‌کننده در رابطه با جواب به پاسخ خیالی مصاحبه‌گر، مرزهای خود پایشی را بر مصاحبه تحمیل می‌کند.

تحلیل میکزو به مشارکت‌کننده در تحقیق اشاره می‌کند. به همین ترتیب، اشاره او در رابطه با محدود ساختن افشاگری نیز، به مصاحبه‌گران مربوط است. ناتوانی در کنترل هیجان‌ات و احساسات خام مشارکت‌کننده بسیار

^{۳۴}-railagainst

کمتر از کنترل هیجان‌ها خود مصاحبه‌گر به سمت او بسط و گسترش می‌یابد. بنابراین ممکن است ناخواسته بیانگر مشارکت‌کنندگانی باشند که بازگویی داستان‌های آن‌ها بی خطر است و تاب شنیدنش را ندارند. مصاحبه‌گرانی که بدون آمادگی وارد مصاحبه می‌شوند، ممکن است در مورد آن چه در نهایت پیش خواهد آمد به جز در مورد مرزهای اثر بخش محتوای مصاحبه - سکوت اختیار کنند.

استعاره، داستان و آرایه‌های ادبی^{۳۵} می‌توانند وارد مصاحبه شوند. آلوسان (۲۰۱۱) در مورد استعاره‌های زیربنایی زبان مصاحبه‌هشدار می‌دهند. تجزیه و تحلیل اندیشمندانه او استعاره‌ها را به حساب آورده و ب آگاهی دانشمندان اجتماعی از آن‌ها فرا می‌خواند. او مدعی است دو استعاره اصلی برای مصاحبه‌های تحقیقاتی عبارتند از مواجهه انسانی و ابزاری. او اما به استعاره‌های مردانگی نمی‌پردازد. استعاره‌ای که داگلاس ازی (۲۰۱۰) آن را تحت عنوان القای ادبیات تحقیق روش شناختی در مصاحبه‌ها شناسایی کرد. ازی (۲۰۱۰) می‌نویسد: کتب علمی مربوط به مصاحبه‌های کیفی مملو از استعاره‌های مردانه در رابطه با فتح و تصرف هستند: کاویدن، هدایت کردن، زیر سؤال بردن، گوش سپردن فعالانه. این مصاحبه‌گر است که در کنترل قرار دارد و مکالمه را هدایت کرده و شکل می‌دهد. این استعاره‌ها حس فتح و تصرف را ایجاد می‌کنند (ص ۱۶۴). شاید این استعاره‌های ساکت مردانه، نگرانی مصاحبه‌گران در رابطه با بهره‌مندی از قدرت غیرضروری، که پژوهشگران فمینیست به مقابله با آن می‌پردازند، تقویت می‌کند.

درک و برداشت بدون تفکر و اندیشه از مصاحبه، فراتر از چیزی است که در یک مصاحبه روی می‌دهد. دیوید سیلورمن (۱۹۹۳، ۱۹۹۷) با این استدلال که اصطلاح او یعنی «جامعه مصاحبه‌ای» بیانگر زندگی معاصر است، استعاره‌ای در رابطه با جامعه مدرن ساخت. او معتقد است وفور گسترده مصاحبه‌های اعترافی و شهادتی در رسانه‌ها، به زندگی مدرن نفوذ کرده است. بسیاری دیگر (مثل آلوسان، ۲۰۱۱، دینگوال ۱۹۹۷، گوبریوم و هالستین ۲۰۰۱، برینکمن ۲۰۰۹) این مفهوم را پذیرفته‌اند. آیا ما در یک جامعه مصاحبه‌ای زندگی می‌کنیم؟ برای چه کسانی این جامعه یک جامعه مصاحبه‌ای است؟ چه زمانی؟ آیا مصاحبه‌های تحقیقاتی انواع مصاحبه‌هایی را تقلید می‌کنند که در رسانه‌ها به تصویر کشیده می‌شوند؟ مفهوم یک جامعه مصاحبه‌ای ممکن است نگرش‌های سودمندی در بر داشته باشد - و ممکن است محدودیت‌هایی را دارا باشد. هر دو باید به صورت تجربی بررسی شوند. افراد معمولی تا چه حد در مصاحبه‌ها شرکت می‌کنند؟ کسانی که با تلفن به راحتی در دسترس قرار می‌گیرند ممکن است درخواست شرکت در تحقیقات انتخابی یا بازاریابی دریافت کنند (هر چند زمانی که شرکت‌های نظرسنجی نمی‌توانند کاربران تلفن همراه را موقعیت‌یابی کنند، منتقدان ابزار پیش‌بینی کننده آن‌ها را حمله قرار می‌دهند). ممکن است ژورنالیست‌ها با شاهدان و قربانیان گفتگو کنند تا نقل قول یا

^{۳۵}-trope

کلپی برای یک گزارش خبری به دست آورند. اما چه تعداد از افراد در مصاحبه‌های متمرکز چهره به چهره در رابطه با جنبه مهمی از زندگی خود شرکت می‌کنند؟ حدس من این است که تعدادشان زیاد نیست. چند نفر می‌توانند داستان‌هایشان را برای یک شنونده پذیرا که هیچ قدرت و اختیار حرفه‌ای در مقابل آنان ندارد بازگو کنند؟ مجدداً احتمالاً تعدادشان زیاد نیست.

حلقه مفقوده نقد مصاحبه تحقیقاتی چیست؟ تأیید قدرت تجربه در مصاحبه. نقدهای بسیاری بر جنبه‌های منفی تعامل مصاحبه، از سؤالات معطوف به دقت گرفته تا موضوعات مربوط به روابط سلسله مراتبی، تمرکز می‌کنند. بسیاری از ما توصیه‌هایی در رابطه با شیوه‌های بهبود جریان و محتوای مصاحبه‌های شما ارائه می‌دهیم. برخی از ما تعاملات مصاحبه‌گونه را بررسی می‌کنیم. ادبیات گروندتئوری محدود، اما رو به رشد است. منتقدان در حال گفتگو بر سر شکل و کیفیت مصاحبه متمرکزند. پاتریک دیلی (۲۰۰۰) ادعا می‌کند که مصاحبه‌های متمرکز محل اتصال هستند. هری اچ. هیلر و لیندا دیلوزیو (۲۰۰۴) بر ارتباط دوجانبه میان مصاحبه‌گر و مشارکت‌کننده در تحقیق و همچنین پیشرفت بازاندیشانه^{۳۶} مصاحبه تأکید می‌کنند. در سراسر مصاحبه، تمرکز روی مشارکت‌کننده در تحقیق است؛ اما این امر با تشویق و ترغیب اندیشمندانه مصاحبه‌گر صورت می‌پذیرد. پیشرفت بازاندیشانه به معنای آن است که هم‌سازی^{۳۷} مصاحبه فراتر از ایجاد یک فضای تعاملی برای افشای اندیشه‌ها یا استخراج اظهارات و نظرات مشارکت‌کننده خواهد بود؛ چه صحیح باشند و چه غلط. منتقدان متعددی به طور ضمنی نشان داده‌اند که مشارکت‌کننده دیدگاه‌های خاصی دارد؛ اما ممکن است نخواهد آن‌ها را افشا کند. پیشرفت بازاندیشانه به معنای آن است که دیدگاه‌های مشارکت‌کننده از طریق مکالمه پدیدار می‌شوند و شاید پیش از مکالمه ظهور نیابند. ازی (۲۰۱۰) ساختار هیجانی روابط مصاحبه را مورد مطالعه قرار داد و با آن همانند یک بخشی بنیادین از «تمرین مصاحبه خوب» رفتار کرد که با سؤالات عالی ساخته شده است (ص ۱۶۴). من بر ویژگی خاص مصاحبه متمرکز تأکید می‌کنم که در آن، مصاحبه‌گر از امتیاز یادگیری زندگی مشارکت‌کننده در تحقیق برخوردار است. مکالماتی که متعاقباً شکل می‌گیرند می‌توانند واجد عمق فوق‌العاده‌ای که در زندگی روزمره مجاز نیست، باشند.

^{۳۶}-reflexive progression'

^{۳۷}-co-construction

جمع‌بندی

از نظر من در مصاحبه متمرکز محقق بخشی از فرایند مصاحبه و محصول آن تلقی می‌گردد. در اساسی‌ترین حالت، مصاحبه‌های متمرکز ظهوریابنده^{۳۸} و باز هستند. شاید آن‌چه در مصاحبه رخ می‌دهد، نه مورد انتظار باشد و نه قابل پیش‌بینی. سرعت مصاحبه می‌تواند کند باشد تا به فکر کردن و اندیشیدن کمک کند؛ ضمن این‌که همزمان گفتمان مصاحبه حرکت و شدت می‌یابد. با به وجود آمدن مصاحبه‌گر و مشارکت‌کننده پچ‌پچ و سروصدا رخت بر می‌بندد و معانی بازسازی می‌شوند. بخش اعظم انتقادات و تقدیرات مربوط به مصاحبه، اعم از مصاحبه‌من، حاصل تفکر و بحث و گفتگو هستند. زمان آزمایش آن‌ها از طریق یک مطالعه تجربی فرارسیده است.

^{۳۸} emergent

- Arendell, T. (۱۹۹۷) Reflections on the researcher–researched relationship: A woman interviewing men. *Qualitative Sociology*, ۲۰(۳): ۳۴۱–۳۶۸.
- Alvesson, M. (۲۰۱۱) *Interpreting Interviews*. London: Sage.
- Atkinson, P. and Silverman, D. (۱۹۹۷) Kundera’s immortality: The interview society and the invention of the self. *Qualitative Inquiry*, ۳(۳): ۳۰۴–۳۲۵.
- Baldwin, J. (۲۰۱۱) Institutional obstacles to beaver re-colonization and potential climate change adaptation in Oregon, USA. Unpublished Ms., Department of Geography, Sonoma State University, Rohnert Park, CA.
- Briggs, C. (۲۰۰۱) Interviewing, power/knowledge, and social inequality. In J. Gubrium and J. A. Holstein (Eds) *The SAGE Handbook of interview research: Context and method* (pp. ۹۱۱–۹۲۲) Thousand Oaks, CA and London: Sage.
- ————. (۲۰۰۷) Anthropology, interviewing, and communicability in contemporary society. *Current Anthropology*, ۴۸(۴): ۵۵۱–۸۰.
- Broom, A., Hand, K. and Tovey, P. (۲۰۰۹) The role of gender, environment and individual biography in shaping qualitative interview data. *International Journal of Social Research Methodology*, ۱۲(۱): ۵۱–۶۵.
- Bryant and K. Charmaz (Eds): *Handbook of grounded theory* (pp. ۴۷۲–۴۹۲) London: Sage.
- Carter, J. (۲۰۰۴) Research note: Reflections on interviewing across the ethnic divide. *International Journal of Social Research Methodology*, ۷(۴): ۳۴۵–۳۵۳.
- Charmaz, K. (۱۹۹۱b) Translating graduate qualitative methods into undergraduate teaching: Intensive interviewing as a case example. *Teaching Sociology*, ۱۹(۳): ۳۸۴–۳۹۵.
- Charmaz, K. and Belgrave, L. (۲۰۱۲) Qualitative interviewing and grounded theory analysis. In J. F. Gubrium, J. A. Holstein, A. Marvasti, and K. M. Marvasti (Eds): *Handbook of interview research* (۲nd edn, pp. ۳۴۷–۳۶۵) Thousand Oaks, CA: Sage.

- Corbin, J. and Morse, J. M. (۲۰۰۳) The unstructured interactive interview: Issues of reciprocity and risks when dealing with sensitive topics. *Qualitative Inquiry* ۹(۳): ۳۳۵-۳۵۴.
- Conway, D. (۲۰۰۸) Masculinities and narrating the past: Experiences of researching white men who refused to serve in the apartheid army. *Qualitative Research*, ۸(۳): ۳۴۷-۳۵۴.
- Dean, J. J. (۲۰۱۴) *Straights: Heterosexuality in post-closeted culture*. New York: New York University Press.
- Dilley, P. (۲۰۰۰) Conducting successful interviews: Tips for intrepid research. *Theory into Practice*, ۳۹(۳): ۱۳۱-۱۳۷.
- Dingwall, R. (۱۹۷۶) *Aspects of illness*. Oxford: Martin Robertson.
- . (۱۹۹۷) Accounts, interviews, and observations. In G. Miller and R. Dingwall (Eds): *Context and method in qualitative research*. London: Sage.
- Ezzy, D. (۲۰۱۰) Qualitative interviewing as an embodied emotional performance. *Qualitative Inquiry*, ۱۶(۳): ۱۶۳-۱۷۰.
- Goodrum, S. and Keys, J. L. (۲۰۰۷) Reflections on two studies of emotionally sensitive topics: Bereavement from murder and abortion. *International Journal of Social Research Methodology*, ۱۰(۴): ۲۴۹-۲۵۸.
- Gailey, J. A. and Prohaska, A. (۲۰۱۱) Power and gender negotiations during interviews with men about sex and sexually degrading practices. *Qualitative Research*, ۱۱(۴): ۳۶۵-۳۸۰.
- Gorden, R. (۱۹۹۸) *Basic interviewing skills*. Long Grove, IL: Waveland Press.
- Gubrium, J. F. and Holstein, J. A. (۲۰۰۱b) From the individual interview to the interview society. In J. A. Holstein and J. F. Gubrium (Eds) *Handbook of interview research: Context and method* (pp. ۳-۳۲) Thousand Oaks, CA: Sage.
- Harvey, W. S. (۲۰۱۱) Strategies for conducting elite interviews. *Qualitative Research* ۱۱(۴): ۴۳۱-۴۴۱.
- Hiller, H. H. and DiLuzio, L. (۲۰۰۴) The interviewee and the research interview: Analysing a neglected dimension. *Canadian Review of Sociology & Anthropology*, ۴۱(۱): ۱-۲۶.
- Karp, D. A. (۱۹۹۶) *Speaking of sadness: Depression, disconnection, and the meanings of illness*. New York: Oxford University Press.
- ————. (۲۰۰۱) *The burden of sympathy: How families cope with mental illness*. New York: Oxford University Press.

- ————. (۲۰۰۶) *Is it me or my meds? Living with anti-depressants*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- ————. (۲۰۰۹) Learning how to speak of sadness. In A. J. Puddephatt, W. Shaffir, and S. W. Kleinknecht (Eds): *Ethnographies revisited: Constructing theory in the field* (pp. ۳۷-۴۷) New York: Routledge.
- King, N. and Horrocks, C. (۲۰۱۰) *Interviews in qualitative research*. London: Sage.
- Kusow, A. (۲۰۰۳) Beyond indigenous authenticity: Reflections on the insider/outsider debate in immigration research. *Symbolic Interaction*, ۲۶(۴): ۵۹۱-۵۹۹.
- Kvale, S. and Brinkmann, S. (۲۰۰۹) *InterViews: Learning the craft of qualitative research interviewing*. London: Sage.
- Lilrank, A. (۲۰۰۲) The tension between overt talk and covert emotions in illness narratives. *Culture, Medicine and Psychiatry*, ۲۶(۱): ۱۱۱-۱۲۷.
- ————. (۲۰۱۲) Managing the interviewer self. In J. F. Gubrium, J. A. Holstein, A. Marvasti, and K. M. Marvasti (Eds): *Handbook of interview research* (۲nd edn, pp. ۲۸۱-۲۹۴) Thousand Oaks, CA: Sage.
- Mead, G. H. (۱۹۳۲) *Philosophy of the present*. LaSalle, IL: Open Court Press.
- ————. (۱۹۳۴) *Mind, self and society*. Chicago: University of Chicago Press.
- Miczo, N. (۲۰۰۳) Beyond the 'fetishism of words': Considerations on the use of the interview to gather chronic illness narratives. *Qualitative Health Research*, ۱۳(۴): ۴۶۹-۴۹۰.
- Miller, J. and Glassner, B. (۲۰۱۱) The 'inside' and the 'outside': Finding realities in interviews. In D. Silverman (Ed.): *Qualitative research: Issues of theory, method and practice* (۳rd edn, pp. ۲۹۱-۳۰۹) London: Sage.
- Murphy, E. and Dingwall, R. (۲۰۰۳) *Qualitative methods and health policy research*. New York: Aldine de Gruyter.
- Luker, K. (۲۰۰۸) *Salsa dancing into the social sciences: Research in an age of info-glut*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Ostrander, S. (۱۹۹۳) "Surely you're not in this just to be helpful": Access, rapport and interviews in three studies of elites. *Journal of Contemporary Ethnography*, ۲۲(۱): ۷-۲۷
- Potter, J. and Hepburn, A. (۲۰۱۲) Eight challenges for interview researchers. In J. Gubrium, J. Holstein,

Marvasti and K. McKinney (Eds): Handbook of interview research (۲nd edn, pp. ۵۴۱-۵۷۰) Los Angeles: Sage.

- Reinharz, S. and Chase, S. E. (۲۰۰۱) Interviewing women. In J. F. Gubrium and J. A. Holstein (Eds): Handbook of interview research (pp. ۲۲۱-۲۳۸) Thousand Oaks, CA: Sage.
- Rapley, T. J. (۲۰۰۱) The art(fulness) of open-ended interviewing: some considerations on analysing interviews. *Qualitative Research*, ۱(۳): ۳۰۳-۳۲۳.
- Rice, C. (۲۰۰۹) Imagining the other? Ethical challenges of researching and writing women's embodied lives. *Feminism & Psychology*, ۱۹(۲): ۲۴۵-۲۶۶.
- Rosenblatt, P. C. (۱۹۹۵) Ethics of qualitative interviewing with grieving families. *Death Studies*, ۱۹(۲): ۱۳۹-۱۵۵.
- Roulston, K. (۲۰۱۰-a) Considering quality in qualitative interviewing. *Qualitative Research*, ۱۰(۲): ۱۹۹-۲۲۸.
- ———. (۲۰۱۰-b) Reflective interviewing: A guide to theory and practice. London: Sage.
- Sailee, M. W. and Harris, F. (۲۰۱۱) Gender performances in qualitative studies of masculinities. *Qualitative Research*, ۱۱(۴): ۴۰۹-۴۲۹.
- Sharp, G. and Kremer, E. (۲۰۰۶) The safety dance: Confronting harassment, intimidation, and violence in the field. *Sociological Methodology*, ۳۶(۱): ۳۱۷-۳۲۷.
- Silverman, D. and Marvasti, A. (۲۰۰۸) Doing qualitative research: A comprehensive guide (۳rd edn) London: Sage.
- Smith, D. E. (۱۹۸۷) The everyday world as problematic: A feminist sociology. Boston: Northeastern University Press.
- ———. (۱۹۹۹) Writing the social: Critique, theory and investigations. Toronto: University of Toronto Press.
- Smith, K. E. (۲۰۰۶) Problematizing power relations in 'elite' interviews. *Geoforum*, ۳۷(۴): ۶۴۳-۶۵۳.
- Smith, L. T. (۱۹۹۹) Decolonizing methodologies: Research and indigenous peoples. London: Zed Books.
- Stanfield II, J. H. (۲۰۱۱) Black reflective sociology: Epistemology, theory, and methodology. Walnut Creek, CA: Left Coast Press.
- Trammel, R. and Chenault, S. (۲۰۰۹) 'We have to take these guys out': Motivations for assaulting incarcerated child molesters. *Symbolic Interaction*, ۳۲(۴): ۳۳۴-۳۵۰.

- Wolkomir, M. (۲۰۰۱) Wrestling with the angels of meaning: The revisionist ideological work of gay and ex-gay Christian men. *Symbolic Interaction*, ۲۴(۴): ۴۰۷-۴۲۴.
- ————. (۲۰۰۶) *Be not deceived: The sacred and sexual struggles of gay and ex-gay Christian men.* New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
- Yanos, P. K. and Hopper, K. (۲۰۰۸) On 'false, collusive objectification': Becoming attuned to selfcensorship, performance and interviewer biases in qualitative interviewing. *International Journal of Social Research Methodology*, ۱۱(۳): ۲۲۹-۲۳۷.